

بعضی آقایان میفرمایند لوگس است و تجمل خوب شد لغت فارسی لوگس را هم پیدا کردیم آنوقت درجست عنوان این اینکه مالیات باید بر عواید و بر اشیاء تجلی بینند این اظهارات را میکنند این یک موضوع علیحده میشود آنوقت بنده موافق که یک خانه بزرگ مالیات بدهد و یک خانه سه زری ندهد.

مخبر- این رد شده است ولی ممکن است رای بگیرد.

پیشنهاد آقای مشار اعظم هم همین بود.

نائب رئیس- صحیح است رد شده.

پیشنهاد آقای ملک التجار قرائت میشود.

(شرح ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم نظر اینکه درشکه و اتومبیل اربابی برای شهر ضرر کمتری از درشکه و اتومبیل دارد و اتومبیل و درشکه اربابی بیشتر شباهت دارد این است که بنده پیشنهاد میکنم مبلغی که از کامیون بر حسب پیشنهاد آقای تقی زاده کسر شده بردرشکه و اتومبیل اربابی افزوده شود.

نائب رئیس- این رد شده قابل رای نیست. پیشنهاد های راجع این ماده ختم شد ماده سوم مطرح است یعنی ماده دوم چون پیشنهاد های راجع این ماده دو سه فقره قابل توجه شده رای در ماده گرفته نمی شود و موصول بیعد میشود.

حاج میرزا عبدالوهاب پس جلسه را ختم کنید.

نائب رئیس- آقای کارزونی فرمایشی داشتید؟

کارزونی- می خواستم پیشنهاد کنم که جلسه ختم شود.

جمعی از نمایندگان- صحیح است.

نائب رئیس- مخالفی نیست؟ جلسه میشود. جلسه آینه روز سه شنبه چهار قبل از ظهر دستور بقیه شور در این لایحه آقای حاج عزالمالک (اجازه)

حاج عزالمالک- ماده پنج لایحه قانون تصاق تمبر به بیط نمایشگاهها از کمیسیون گذشته شور دوم آتم تمام شده است مگر فرماید جز دستور جلسه آینه گذاشته شود.

نائب رئیس- مخالفی نیست؟ (گفته شد خیر) آقای داور (اجازه)

داور- بنده مکرراً راجع بطرح قانونی صنایع مستظرفه تذکر داده ام که جزو دستور شود در صورتی که لوپورتش هم حاضر است جزو دستور نشده تقاضا میکنم جزو دستور جلسه آینه بشود.

نائب رئیس- جزو دستور می شود آقای تدین (اجازه)

تدین- بنده نسبت بوقتی که مقرر شده است برای تشکیل جلسه علنی می خواهم عرض کنم که چهار ساعت بظهور دز اوقاتی که روزها بلند شود حالا روزها کوتاه شده است باینجهت بنده پیشنهاد میکنم سه ساعت نیم مقرر فرمائید.

نائب رئیس- باین پیشنهاد آقای تدین مخالفی هست؟

حاج میرزا عبدالوهاب- عده برای رای کافی نیست.

نائب رئیس- عده کافی است. آقای آقاسید یعقوب (اجازه)

آقاسید یعقوب- بنده اساساً نسبت بفرمایش آقای تدین مخالف نیستم خواهستم تذکر بدهم بآقای تدین که خودتان ملاحظه فرمائید که باین ترتیب هیچ کاری نمیرود ساعت ونیم قبل از ظهر اطلاع رسمی داده میشود و یک ساعت نیم ساعت قبل از جلسه آقایان نماینده بعد از وقتی که خبر داده میشود ساعت هم معلوم میکنند کار هایش نمیرود پس عقیده بنده این است که یا همان چهار ساعت باشد یا عصر باشد که لاف یک لایحه و چیزهای بگذرد و این ترتیب عملی نیست و خوب است اساساً برای پیشرفت کار یک تصور فرمائید والا باین ترتیب هیچ کار بیش نمیرود.

نائب رئیس- چون عده کافی نیست تصور میکنم رای در این موضوع بماند برای جلسه بعد.

ضیاءالواعظین- بنده در دستور عرض دارم.

نائب رئیس- عده کافی نیست. در اول جلسه آینه فرمائید.

(مجلس یک ربع بعد از ظهر ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی مؤتمن المسالك منشی- به شهاب منشی- معظم السلطان جلسه پنجاه و هشتم صورت مشروح مجلس یوم سه شنبه شانزدهم ظفر المظفر ۱۳۴۳ مطابق بیست و چهارم سنبله ۱۳۰۴ (مجلس تقریباً سه ساعت قبل از ظهر بریاست آقای مؤتمن- الملک تشکیل گردید)

(سورت مجلس یوم یکشنبه بیست و دوم سنبله را آقای آقا میرزا شهاب قرائت نمودند)

رئیس- آقای طهرانی (اجازه)

آقا شیخ محمد علی طهرانی- بنده بعد از تصویب صورت مجلس عرضی دارم.

رئیس- آقای تدین (اجازه)

تدین- بنده در جلسه گذشته در ضمن عرایضم عرض کردم ماده پنجاه و نهم نظامنامه داخلی و در صورت مجلس مطلق نوشته شده است ماده پنجاه و نهم اگر مانی نباشد و مقتضی باشد که نظامنامه داخلی اضافه شود.

رئیس- اضافه میشود. آقای طهرانی (اجازه)

طهرانی- بنده خاطر محترم کلاهی مجلس مقدس شورای ملی را متوجه بیک امر مهمی میکنم و تقاضا دارم در صورتیکه عطف توجه فرمائید مخصوصاً از دوک بخواهند که این امر را انجام بدهند و آن اینست که البته آقایان میدانند در بهار امسال بواسطه بلای مبرهنه از حدود سندان منتهی الیه ساره و قزوین طرف قزوین تا گویداوند و از طرف رامین و خوار و هم چنین سایر نقاط گره بانه بتمامی زنک گرفت و اگر درست وقت فرمائید امسال شاید تا ماه دیگر یک فعلی خیلی سختی سراسر این نقاط را بگیرد و بسختی سختی برای رها بار مالکین فراهم شده است. نمالکین میتوانند مسامحه بر عایا بدهند و نه رها بار میتوانند از تران نماینده بلا و گاو بریم اضافه شده است قریب صد هزار جمعیت در حول و حوش طهران مبتلا بر مرض مرم و بلای فعلی هستند نه دارائی دارند که بتوانند خودشان را اداره کنند و نه می توانند کشت و زرع نمایند و برای سه آینه طهرانی تهدید به فعلی میشود بنابراین بنده از مجلس شورای ملی تقاضا میکنم که به دولت تذکر بدهند در این باب عطف توجه مخصوصی بکنند.

اگر چه در یکی از روزهای نامجالت بخاطر دارم که اعلانی از طرف دولت شده بود که هر کسی نهم بخواهد برای کشت بیاید بفرود قرار بکند من تحقیق کرده ام در خارج و داخل اینبار تمام گندمها را مغلوب بکنند کرده اند بعضی از آن گندمها بهاره و بعضی پاییزه و بعضی قابل برای کشت است و بعضی قابل برای کشت نیست و گمان نمیکنم اینها چندان مؤثر باشند بملاورها یا اینکه دارائی ندارند که باین نقد پول بدهند و گندم بخرند فرضاً هم پول داشته باشند و گندم بخرند فقط اختصاص دارد ببلات های طهران و حول و حوش آن ولی اهالی قم و ساوه و دماوند و قزوین تا حدود عراق این استطاعت و قدرت را ندارند بنابراین تقاضا میکنم مجلس عطف توجهی باین نکته فرمائید و بدولت تذکر داده شود که در این باب عطف توجه مخصوصی بنمایند بلکه رعایا از این بلیه مستخلص شده و اهالی ازین نروند.

رئیس- این مذاکرات که تمهیب نخواهد شد.

قائم مقام الملک- خوب است یک نفر جواب بدهد آن وقت مذاکرات کافی باشد.

رئیس- آقای رئیس التجار (اجازه)

رئیس التجار- بنده عرض دیگری دارم.

دست غیب- اجازه میفرمائید.

رئیس- آقای دست غیب جواب می دهم.

دست غیب- بلی. در اینکه بگفتند که گندم زنک زده بود در اول حمل همانطور که فرمودند تردیدی نیست ولی بآن اندازه که در طی عباراتشان فرمودند که تا شش ماه دیگر فعلی در طهرانی خواهد شد.

تدین- گفتند سال دیگر.

دست غیب- بلی سال دیگر. آن حاصله ای که میفرمایند یک مقداری از این حیث بآنها خسارت وارد آمده ولیکن نه باین اندازه که آقای طهرانی فرمودند علاوه بر این دولت در صدد است که مالیات یک اطلاعاتی هم صادر کرده ایم برای جلوگیری از این مسئله گندم تدارک کنند بشکلی که بیم فعلی در تهران و اطراف آن نیبرود.

رئیس- آقای شیخ الاسلام پیشنهاد کرده اند راپرت نمایندگی آقای میرزا سید حسن مدرس مقدم در دستور باشد. (یک نفر از نمایندگان- آقا میرزا حسن کاشانی)

رئیس- بلی آقا میرزا سید حسن مدرس را در دستور بگذاریم.

رئیس- تقاضا کرده اند که جزو شود آقایانیکه این تقاضا تصویب میکنند قیام فرمائید.

(اغلب قیام نمودند)

رئیس- آقای ملک الشعراء بفرمائید.

ملک الشعراء- مذاکراتی را که راجع بانتخابات کاشان و نظار میبایستی عرض میکردم مبسوط و مفصل بود ولی به باره ملاحظاتی و عدم انتضای حال شخصی آقایان حواله میدهم بمذاکراتی که آقای کارزونی در باب انتخابات کاشان کرده اند و مشروحاتی که در این باب در شهر منتشر شده و البته همه آقایان شنیده اند و آنگاه میبایست مجلس مقدس

رئیس- رای میگیریم. آقایانی که نمایندگی آقای آقامیرزا سید حسن را تصویب میکنند قیام فرمائید.

(اغلب قیام نمودند)

آقامیرزا جواد خان خونی- پیشنهادی است که باید در این باب تقدیم شود.

(بعضی از نمایندگان در حال قیام- آقایان گرفته شد)

رئیس- تصویب شد. ماده سوم لایحه و سائط نقلیه مطرح است قرائت میشود.

(بشرح ذیل قرائت شد)

ماده ۳- از کلیه وسائط نقلیه که وارد شهر میشوند در طهرانی (سواى آنها که مالیات ماهیانه میدهند) هر ذمه بقرار ذیل مالیات دریافت خواهد شد

کاری با دوالی چهار اسب- قران دو چرخه یا یک اسب ۲ قران

چهار چرخه یا یک اسب با دو اسب ۳ قران

کالسکه و درشکه با دوالی چهار اسب ۵ قران

اتومبیل ۱۵ قران

اتومبیل بارکش (کامیون) ۲۰ قران

دلیجان و امشبیوس با دوالی چهار اسب ۸ قران

الاغ بارکش و کرایه ۲۰۰ ر. دینار

قاطر اسب ۵۰۰ مادیان و شتر و الاغ شخصی ۵۰۰ / . دینار

بی سیکلت ۵۰۰ / . دینار

موتوسیکلت ۱ قران

رئیس- قسمت اول کاری با دوالی چهار اسب پنجقران ۱۰ آقا میرزا عبدالله خان مخالفند؟

آقامیرزا ایدالله خان- بلی پیشنهاد دارم.

رئیس- راجع بکدام قسمت است آقامیرزا ایدالله خان- عرض بنده این است چنانچه نمایندگان محرم در نظر داشته باشند متنی نقل

رئیس- راجع بکدام قسمت است؟ آقامیرزا ایدالله خان- در قسمت ورودی بشهر سابق در اینجا مذاکره شد که نسبت بوسائط نقلیه قراء رعایتی بشود حال اینجا می بینم که نسبت بوسائط نقلیه بعضی اشخاص یک سخت گیری میشود ولی از آنطرف متلاهی اسمی از درشکه یک اسبه برده نشده بملاوره بین کاری چهار و چهار اسب تفاوتی منظور نشده باین چهار چرخه یک اسب و دو اسب هیچ فرقی منظور نشده و البته آقایان تصدیق فرمائید که فردا دم دروازه یک زحمتی برای مردم فراهم خواهند نمود لذا بنده پیشنهاد میکنم که وسائط نقلیه را از دو اسب مجزا کنند متلا نوشته شود کاری ۳ قران و هر چند اسبی که داشته فرضاً هر اسبی ده شاهی اضافه شود تصور میکنم باین ترتیب تبصره هم لازم نباشد.

حاج عزالمالک- خبر کمیسیون قوانین مالییه- اینجا حداکثری که برای کاری تصور شده است با چهار اسب است در تبصره هم توضیح داده شده است که اگر از چهار اسب اضافه شده مالیات جدا گانه باید بدهد دیگر لازم نیست فرعی بینه کاری دو اسب بگذارد و اگر بنا باشد برای هر کدام

سوا بغواهم مالیات بتوسیم یک مقداری باید وسائط نقلیه بدهند و ملک مقدار هم دو اسب ولی کمیسیون دولت اینطور معتقد بودند که کاری با چهار اسب فلان مبلغ مالیات بدهند و اگر هم اسب اضافه شد مالیات آنرا هم جدا گانه بدهند.

رئیس- آقای حاج عبدالوهاب راجع بقسمت اول حرفی دارید؟

حاج میرزا عبدالوهاب- بلی. جوابی که آقای مخبر دادند بقرینه بنده منطقی نبود زیرا اینجا نوشته کاری با دوالی چهار اسب فلان قدر با صلاح میگویند تساوی کل و جزء میشود اینجا می نویسد در صورتی که کاری چهار اسب داشته باشد باید پنجقران بدهد و اگر دو اسب هم داشته باشد باید پنج قران بدهد و این ترتیب خوبی نیست و بنده هم با فرمایش آقا میرزا ایدالله خان شریکم که باید مالیات کاری علیحده بشود و اسب هم سوا بشود اگر کسی دو اسب بکارتی ست مالیات دو اسب را بدهد اگر سه اسب بت مالیات ۳ اسب را و این ترتیب بقرینه من بهتر است.

رئیس- آقای عرفی راجع به همین قسمت فرمایشی دارید؟

عراقی- بنده با آقای حاج میرزا عبد الوهاب موافقم.

رئیس- آقای شیروانی (اجازه)

شیروانی- بنده در این قسمت عرضی ندارم.

رئیس- آقای عدل الملک (اجازه)

عدل الملک- بنده هم در قسمت های بعد عرض دارم.

رئیس- آقای داور (اجازه)

داور- عرایض بنده را آقای آقامیرزا ایدالله خان و آقای حاج میرزا عبدالوهاب فرمودند.

رئیس- راجع بقسمت اول پیشنهادی نیست؟

(اظهاری نشد)

رئیس- قسمت دوم دو چرخه یا یک اسب و دو قران مخالفی دارید؟ (گفته شد خیر)

رئیس- قسمت سوم مخالفی دارید؟ (گفته شد خیر)

رئیس- قسمت چهارم چه طور؟

آقاسید یعقوب- مخالفی ندارد.

رئیس- قسمت پنجم (بعضی از نمایندگان- قسمت چهارم مخالف دارد)

رئیس- نسبت بقسمت چهارم که مخالف است؟

عراقی- بنده مخالفم و نیس- بفرمائید.

عراقی- در این قسمت که نوشته کالسکه و درشکه با دوالی چهار اسب پنجقران

همان معظور که در قسمت اول راجع بکارتی بود در این جا راجع کالسکه و درشکه هم هست و عقیده بنده این است که اینجا هم برای اسب و برای وسائط نقلیه سوا مالیات را بقرار بکنند.

رئیس- آقای شیروانی (اجازه)

شیروانی- بنده هم عرض همین بود.

رئیس- آقای حاج میرزا عبدالوهاب (اجازه)

حاج میرزا عبدالوهاب- بنده هم عرض کنم هم همین را میخواستم عرض کنم.

رئیس- قسمت پنجم- اتومبیل یا زده قران- آقای طهرانی (اجازه)

طهرانی- بنده میخواستم از آقای مخبر سؤال کنم که چه طور شده است اتومبیل ها اینکه در شهر هستند و ماهیانه میدهند بین اربابی و کرایه شان فرق گذاشته اند ولی در اینجا بطور مطلق بتوسید اتومبیل یا زده قران در صورتیکه بقرینه بنده اتومبیل کرایه باید بدهد و اتومبیل اربابی بهمان ملاحظه که آقای تقی زاده در جلسه قبل فرمودند باید بیشتر بدهند.

مخبر- اول این راجع بتوسید بارکش نیست که میفرمایند آقای تقی زاده در جلسه قبل فرمودند.

ثانیاً اینکه بین اتومبیل های ارباب و کرایه که در شهر هستند فرق گذاشته اند برای این است که اتومبیل اربابی در شهر زیاد است ولی اتومبیل های ورودی کمتر اربابی دارد و این جهت فرق گذاشته شد.

رئیس- آقای حاج میرزا عبدالوهاب (اجازه)

حاج میرزا عبدالوهاب- بنده هم در این جا هم ایرادی که در قسمت اول شد در این جا هم وارد است خوب است مالیات اسب از مالیات وسائط نقلیه تفکیک شود.

رئیس- آقای آقاسید یعقوب (اجازه)

آقاسید یعقوب- بنده عرض میکنم در اینجا اگر حرف در این است که هشت قران مالیات زیاد است بنده مخالفم باین عقیده زیرا همه ما تصدیق داریم بهترین عهده را جمع بکنند بهتر از این چیزی نیستی.

مانیایه- بقدر متعجب شگاف بگذاریم و بگوئیم زیاد است خیر اید زیاد نیست و اینکه آقای تقی زاده پیشنهاد کردند می خواهم عرض کنم باید کاری بکنیم که در راهها

شهر میشوند و یک اطمینان بیاختار و نظیف شهرواد میاورند یک مالیاتی هم باید بدهند والا اگر بخواهیم معتقد باشیم که تمام مالیات ندهند وسائل نظیف و روشنایی شهر کلی ازین خواهد رفت.

رئیس- آقای افشار (اجازه)

افشار- منظور نظر نمایندگان این است که وسائط نقلیه ترویج شود و راه آن این است که از اتومبیل از نقطه نظر نواقل کمتر پول بگیرند که اتومبیل زیاد شود و اگر نظر آقایان

بایدی است ممکن است گرگ را علاوه کنند.

رئیس- قسمت ششم اتومبیل بارکش دو تومان مغالنی دارد- آقای شیروانی (اجازه)

شیروانی- بریر روز آقای تقی زاده نسبت باین قسمت پیشنهادی نمودند قابل توجه هم شد تصور میکنم نظر بیشتر آقایان نمایندگان هم همانطور که پیشنهاد شده باشد یک قران بود و در قران در نظر نیست.

رئیس- عده اید خودتان را بفرمائید بصد رای میگیریم.

شیروانی- بنده هم عقیده ام این است بیش از دو قران نباشد.

رئیس- آقای هرمزی (اجازه)

هرمزی- بنده پیشنهادی در این موضوع تقدیم داشته ام.

رئیس- قسمت هفتم- آقای حاج میرزا عبدالوهاب (اجازه)

حاج میرزا عبدالوهاب- همان ایرادی که در قسمت اول شد در این جا هم وارد است خوب است مالیات اسب از مالیات وسائط نقلیه تفکیک شود.

رئیس- آقای آقاسید یعقوب (اجازه)

آقاسید یعقوب- بنده عرض میکنم در اینجا اگر حرف در این است که هشت قران مالیات زیاد است بنده مخالفم باین عقیده زیرا همه ما تصدیق داریم بهترین عهده را جمع بکنند بهتر از این چیزی نیستی.

مانیایه- بقدر متعجب شگاف بگذاریم و بگوئیم زیاد است خیر اید زیاد نیست و اینکه آقای تقی زاده پیشنهاد کردند می خواهم عرض کنم باید کاری بکنیم که در راهها

همان معظور که در قسمت اول راجع بکارتی بود در این جا راجع کالسکه و درشکه هم هست و عقیده بنده این است که اینجا هم برای اسب و برای وسائط نقلیه سوا مالیات را بقرار بکنند.

رئیس- آقای شیروانی (اجازه)

شیروانی- بنده هم عرض همین بود.

رئیس- آقای حاج میرزا عبدالوهاب (اجازه)

حاج میرزا عبدالوهاب- بنده هم عرض کنم هم همین را میخواستم عرض کنم.

رئیس- قسمت پنجم- اتومبیل یا زده قران- آقای طهرانی (اجازه)

طهرانی- بنده میخواستم از آقای مخبر سؤال کنم که چه طور شده است اتومبیل ها اینکه در شهر هستند و ماهیانه میدهند بین اربابی و کرایه شان فرق گذاشته اند ولی در اینجا بطور مطلق بتوسید اتومبیل یا زده قران در صورتیکه بقرینه بنده اتومبیل کرایه باید بدهد و اتومبیل اربابی بهمان ملاحظه که آقای تقی زاده در جلسه قبل فرمودند باید بیشتر بدهند.

مخبر- اول این راجع بتوسید بارکش نیست که میفرمایند آقای تقی زاده در جلسه قبل فرمودند.

ثانیاً اینکه بین اتومبیل های ارباب و کرایه که در شهر هستند فرق گذاشته اند برای این است که اتومبیل های ورودی کمتر اربابی دارد و این جهت فرق گذاشته شد.

رئیس- آقای حاج میرزا عبدالوهاب (اجازه)

حاج میرزا عبدالوهاب- بنده هم در این جا هم ایرادی که در قسمت اول شد در این جا هم وارد است خوب است مالیات اسب از مالیات وسائط نقلیه تفکیک شود.

رئیس- آقای آقاسید یعقوب (اجازه)

آقاسید یعقوب- بنده عرض میکنم در اینجا اگر حرف در این است که هشت قران مالیات زیاد است بنده مخالفم باین عقیده زیرا همه ما تصدیق داریم بهترین عهده را جمع بکنند بهتر از این چیزی نیستی.

مانیایه- بقدر متعجب شگاف بگذاریم و بگوئیم زیاد است خیر اید زیاد نیست و اینکه آقای تقی زاده پیشنهاد کردند می خواهم عرض کنم باید کاری بکنیم که در راهها

سوابق یا بار کس
مخبر - در طرز نوشتن بنده یادداشت کرده ام که در کمیسیون اصلاح کتب که اشتباه نبود.

رئیس - ماده چهارم (شرح ذیل قرائت شد)
 ماده چهارم - کالسه که درشکه و امثال آنها که اسقاط شده یا در حال تعطیل است و یا بالاخره مثل مال التجاره برای فروش گذاشته اند از مالیات بلدی معاف خواهد بود مشروط بر اینکه کتباً بدائره مربوطه اطلاع شده باشد.

رئیس - آقای یاسائی.
یاسائی - بنده عرضی ندارم.
رئیس - آقای مستند السلطنه (اجازه)
مستند السلطنه - بنده هم عرضی ندارم.
رئیس - آقای کلزونی (اجازه)
کلزونی - بنده عرضی ندارم.
رئیس - آقای دستغیب (اجازه)
دستغیب - عرضی ندارم.
رئیس - آقای سرکشیک زاده (اجازه)
سرکشیک زاده - بنده هم عرضی ندارم.
رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)
آقا سید یعقوب - بنده موافق هستم.
رئیس - آقای داور (اجازه)
داور - بنده می بینم در این ماده نوشته است که کالسه و درشکه اسقاط شده پدر حال تعطیل و اسقاط شده و یا بالاخره فلان... البته اگر در حال تعطیل است اعم از اینست که اسقاط شده یا نشده ولی اگر اسقاط شده است و معذک کار می کند که باید مالیات را بدهد.

مخبر - باین اصلاح بنده موافقم در این معنی فرق نمی کند.

رئیس - اسقاط شده در این معنی که **مخبر** - منظور بنده اینست که کالسه و درشکه و امثال آنها که در حال تعطیل است و یا بالاخره مثل مال التجاره برای فروش گذاشته اند...
رئیس - ماده قرائت میشود (شرح ذیل خوانده شد)
 ماده چهارم - کالسه که درشکه و امثال آنها که در حال تعطیل است و یا بالاخره مثل مال التجاره برای فروش گذاشته اند...
داور - بنده عرضی ندارم.
رئیس - ماده چهارم که سابق است قرائت می شود.

حاج آقا اسمعیل عراقی - بنده

مواقف با آقای داور - این کلمه اسقاطی را که اینجا نوشته اند معنی اسقاط باشد ولی باحال اسقاط کار کند و آنوقت در مقابل این کلمه جمله آورده که میگوید: و یا در حال تعطیل است از این جمله معنی اسقاط تصور شود که کلمه اسقاط یعنی اسقاطی که کار هم میکند.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)
آقا سید یعقوب - بنده موافقم.
رئیس - آقای شریعت زاده (اجازه)
شریعت زاده - بنده تصور میکنم که برای اینکه يك مالیاتی وسیله نقلیه باید بدهد و مستفاد از این ماده قانون اینست که فروشنده باید هم مالیات بدهد و هم جریمه اینکه اطلاع نداده است و ماده دیگر میگوید کسبک مالک این وسیله نقلیه است باید مالیات بدهد.

پس در اینجا باید مسئولیت را متوجه یکی از این دو نفر کرد که یکی از دو نفر مکلف باشد که با اداره نقلیه اطلاع بدهد و اصولاً مالیات را باید کسی بدهد که وسیله نقلیه در دست اوست نه کسی که انتقال داده است و چیزی در دست او نیست و ازین نقطه نظر هیچ تردیدی نیست در زائد بودن این ماده.

رئیس - رأی میگیرم در ضمن تکلیف حذف هر معلوم میشود. رأی میگیرم بنده چهارم که پنج سابق است آقایانی که این ماده را تصویب می کنند قیام فرمایند.

رئیس - ماده پنجم (شرح آتی قرائت شد)
 ماده پنجم - وسایط نقلیه حومه شهر میتوانند مطابق ماده دوم مالیات ماهیانه داده و باین طریق از مالیات دخوله مذکور در ماده سوم در ماده سوم معاف گردند.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)
آقا سید یعقوب - بنده موافقم.
رئیس - آقای یاسائی (اجازه)
یاسائی - در اینجا نوشته شده است وسایط نقلیه حومه شهر میتوانند مطابق ماده دوم مالیات ماهیانه داده و باین طریق از مالیات دخوله مذکور در ماده سوم معاف گردند. بنده تصور میکنم که معاف گردند مقصود بنده کلمه حومه شهر است حومه شامل میشود دهات و قراقرز اطراف نزدیک شهر مثل دهات شیران یا یک قسمت از قراقرز و فشاویه را میشود جزء شهر تهران حساب کرد ولی قراقرز شهر یار

روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی

روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران

دوره پنجم

شماره ۴۸۵

و ساوجبلاغ و خوار را نمیشود جزء حومه حساب کرد.

لذا آنها نمیتوانند از این ماده استفاده کنند. حومه طهران همان قراقرز نزدیک شهر است دهات خوار که خیلی دور است و یا نزدیک فرسخ یا بیست فرسخ تا طهران فاصله دارد لفظ حومه بر آن اطلاق نمی شود.

عقیده بنده این است يك کلمه باید پیدا کرد که جامع تر از لفظ حومه باشد مخیر - مقصود واضح است. البته قراقرز خوار و زمین جزء حومه تهران محسوب شود؟

حومه طهران مطابق ترتیبی که امروز برای نواقل معمول است تا سه ربع فرسخ را شامل میشود.

رئیس آقای شیروانی (اجازه)
شیروانی - بنده باین ماده موافقم و اتفاقاً خیلی خوب ماده هم هست الا اینکه عقیده بنده باید تصریح شود کدام دهات جزء حومه شهر است و الا فراد هر کس بیاید داخل شود جلوش را بگیرند که جزء حومه شهر نیست.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)
آقا سید یعقوب - عرض میکنم که در اینجا جای ایرادی که آقای شیروانی و آقایان فرمودند نیست زیرا بنده گمان میکنم جغرافیای شهر مطرح نیست و این ماده اشکالی ندارد... (همه نمایندگان) (صدای زنگ رئیس)

آقا سید یعقوب - میفرمائید بنده حرف نزنم؟
رئیس - خیر. بنده خواستم آقایان حرف نزنند که شواحد بنده.

آقا سید یعقوب - عرض کردم ما که نمیخواهیم اینجا جغرافیای شهر و حومه شهر را معین کنیم این لایحه ایست که از طرف کمیسیون آمده است برای تعیین مالیات وسایط نقلیه. این جغرافیای شهر نیست. هر وقت خواستیم وارد شویم در جغرافیای شهر و تعیین نقلیه که میخواهند در شهر داخل شوند معین کنیم. شما میخواهید بفرمائید حومه شهر معین نشده بنده عرض میکنم اینجا جای این مطلب نیست و هر چیزی جانی دارد وقتی که خواستیم نقشه شهر و تقسیم بندی شهر و اطراف آن را معلوم کنیم آنوقت باید در این موضوع بحث کنیم.

پس حالا وقت تعیین حومه شهر نیست.

رئیس - آقای حاج میرزا عبدالوهاب (اجازه)

دوره پنجم

رئیس - عرضی ندارم.
جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.
رئیس - مذاکرات کافی است؟
جمعی از نمایندگان - بلی.
رئیس - اصلاح آقای مقوم الملک (شرح آتی قرائت شد)
 چون کلمه حومه معین نمیکند که عبارت از چند فرسخی اطراف شهر است اینجانب پیشنهاد میکنم که سه فرسخ اطراف شهر عبارت از حومه باشد.
رئیس - بفرمائید.
مقوم الملک - چون کلمه اینجا معین نمیکنند که چند فرسخی شهر است و اغلب دهات غاروشیرانات را جزء حومه شهر تصور میکنند و تا دو فرسخ و نیم سه فرسخ فاصله میرسد از این جهت اگر سه فرسخ را معین کنید بهتر است است.
رئیس - رأی میگیرم...
مخیر اجازه میفرمائید تشخیص این موضوع را باید گذاشت برای انجمن بلدی. ما اینجا بنویسیم حومه. البته انجمن بلدی نقشه دارد و در آن مفصلاً حومه شهر را مرتب کرده اند.

رئیس - رأی میگیرم به پیشنهاد آقای مقوم الملک.
 آقایانی که این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام فرمایند.
(ممدودی برخاستند)
رئیس - قابل توجه نشد. اصلاح پیشنهادی یاسائی.
(شرح ذیل قرائت شد)
 بنده پیشنهاد می کنم (حومه شهر) به بلوکات و قراقرز تهران تبدیل شود.

رئیس - بفرمائید.
یاسائی - چون این عوارض مختص تهران و اطراف تهران است از این جهت بنده پیشنهاد کردم که لفظ حومه شهر تبدیل شود به بلوکات و قراقرز اطراف تهران زیرا حومه شامل دهات دور دست نخواهد شد و آن یانی هم که آقای مخیر فرمودند که انجمن بلدی خودش تقاط جزء حومه شهر را معین میکند و در آن نقشه مفصلی که دارد مرتب می نماید صحیح است ولی متأسفانه عجلتاً انجمن بلدی نداریم و با پیشنهادی که آقای تدین کردند قابل توجه هم شد شاید اساساً بنده از بین رفت مثل مجلس سنا چون در قانون اساسی نوشته است وقتی مجلس سنا نبود مجلس شورای هر کار بکنند کافی است و در واقع تصدیق اینکه این بلدی قائم مقام بلدی قانونی باشد طبقاً بلدی قانونی رامون میگذارد و ما هیچ وقت بلدی قانونی نخواهیم داشت لذا عقیده بنده است با این ترتیب نمی شود منتظر شد که انجمن بلدی کی تشکیل خواهد شد که حومه شهر را معین کند و از آن حالا يك مشکلاتی برای اطرافهای طهران

دوره پنجم

حاج میرزا عبدالوهاب - عرضی ندارم.
جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است؟
رئیس - مذاکرات کافی است؟
جمعی از نمایندگان - بلی.
رئیس - اصلاح آقای مقوم الملک (شرح آتی قرائت شد)
 چون کلمه حومه معین نمیکند که عبارت از چند فرسخی اطراف شهر است اینجانب پیشنهاد میکنم که سه فرسخ اطراف شهر عبارت از حومه باشد.
رئیس - بفرمائید.
مقوم الملک - چون کلمه اینجا معین نمیکنند که چند فرسخی شهر است و اغلب دهات غاروشیرانات را جزء حومه شهر تصور میکنند و تا دو فرسخ و نیم سه فرسخ فاصله میرسد از این جهت اگر سه فرسخ را معین کنید بهتر است است.
رئیس - رأی میگیرم...
مخیر اجازه میفرمائید تشخیص این موضوع را باید گذاشت برای انجمن بلدی. ما اینجا بنویسیم حومه. البته انجمن بلدی نقشه دارد و در آن مفصلاً حومه شهر را مرتب کرده اند.

رئیس - رأی میگیرم به پیشنهاد آقای مقوم الملک.
 آقایانی که این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام فرمایند.
(ممدودی برخاستند)
رئیس - قابل توجه نشد. اصلاح پیشنهادی یاسائی.
(شرح ذیل قرائت شد)
 بنده پیشنهاد می کنم (حومه شهر) به بلوکات و قراقرز تهران تبدیل شود.

رئیس - بفرمائید.
یاسائی - چون این عوارض مختص تهران و اطراف تهران است از این جهت بنده پیشنهاد کردم که لفظ حومه شهر تبدیل شود به بلوکات و قراقرز اطراف تهران زیرا حومه شامل دهات دور دست نخواهد شد و آن یانی هم که آقای مخیر فرمودند که انجمن بلدی خودش تقاط جزء حومه شهر را معین میکند و در آن نقشه مفصلی که دارد مرتب می نماید صحیح است ولی متأسفانه عجلتاً انجمن بلدی نداریم و با پیشنهادی که آقای تدین کردند قابل توجه هم شد شاید اساساً بنده از بین رفت مثل مجلس سنا چون در قانون اساسی نوشته است وقتی مجلس سنا نبود مجلس شورای هر کار بکنند کافی است و در واقع تصدیق اینکه این بلدی قائم مقام بلدی قانونی باشد طبقاً بلدی قانونی رامون میگذارد و ما هیچ وقت بلدی قانونی نخواهیم داشت لذا عقیده بنده است با این ترتیب نمی شود منتظر شد که انجمن بلدی کی تشکیل خواهد شد که حومه شهر را معین کند و از آن حالا يك مشکلاتی برای اطرافهای طهران

دوره پنجم

رئیس - عرضی ندارم.
جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است؟
رئیس - مذاکرات کافی است؟
جمعی از نمایندگان - بلی.
رئیس - اصلاح آقای مقوم الملک (شرح آتی قرائت شد)
 چون کلمه حومه معین نمیکند که عبارت از چند فرسخی اطراف شهر است اینجانب پیشنهاد میکنم که سه فرسخ اطراف شهر عبارت از حومه باشد.
رئیس - بفرمائید.
مقوم الملک - چون کلمه اینجا معین نمیکنند که چند فرسخی شهر است و اغلب دهات غاروشیرانات را جزء حومه شهر تصور میکنند و تا دو فرسخ و نیم سه فرسخ فاصله میرسد از این جهت اگر سه فرسخ را معین کنید بهتر است است.
رئیس - رأی میگیرم...
مخیر اجازه میفرمائید تشخیص این موضوع را باید گذاشت برای انجمن بلدی. ما اینجا بنویسیم حومه. البته انجمن بلدی نقشه دارد و در آن مفصلاً حومه شهر را مرتب کرده اند.

رئیس - رأی میگیرم به پیشنهاد آقای مقوم الملک.
 آقایانی که این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام فرمایند.
(ممدودی برخاستند)
رئیس - قابل توجه نشد. اصلاح پیشنهادی یاسائی.
(شرح ذیل قرائت شد)
 بنده پیشنهاد می کنم (حومه شهر) به بلوکات و قراقرز تهران تبدیل شود.

رئیس - بفرمائید.
یاسائی - چون این عوارض مختص تهران و اطراف تهران است از این جهت بنده پیشنهاد کردم که لفظ حومه شهر تبدیل شود به بلوکات و قراقرز اطراف تهران زیرا حومه شامل دهات دور دست نخواهد شد و آن یانی هم که آقای مخیر فرمودند که انجمن بلدی خودش تقاط جزء حومه شهر را معین میکند و در آن نقشه مفصلی که دارد مرتب می نماید صحیح است ولی متأسفانه عجلتاً انجمن بلدی نداریم و با پیشنهادی که آقای تدین کردند قابل توجه هم شد شاید اساساً بنده از بین رفت مثل مجلس سنا چون در قانون اساسی نوشته است وقتی مجلس سنا نبود مجلس شورای هر کار بکنند کافی است و در واقع تصدیق اینکه این بلدی قائم مقام بلدی قانونی باشد طبقاً بلدی قانونی رامون میگذارد و ما هیچ وقت بلدی قانونی نخواهیم داشت لذا عقیده بنده است با این ترتیب نمی شود منتظر شد که انجمن بلدی کی تشکیل خواهد شد که حومه شهر را معین کند و از آن حالا يك مشکلاتی برای اطرافهای طهران

دوره پنجم

رئیس - عرضی ندارم.
جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است؟
رئیس - مذاکرات کافی است؟
جمعی از نمایندگان - بلی.
رئیس - اصلاح آقای مقوم الملک (شرح آتی قرائت شد)
 چون کلمه حومه معین نمیکند که عبارت از چند فرسخی اطراف شهر است اینجانب پیشنهاد میکنم که سه فرسخ اطراف شهر عبارت از حومه باشد.
رئیس - بفرمائید.
مقوم الملک - چون کلمه اینجا معین نمیکنند که چند فرسخی شهر است و اغلب دهات غاروشیرانات را جزء حومه شهر تصور میکنند و تا دو فرسخ و نیم سه فرسخ فاصله میرسد از این جهت اگر سه فرسخ را معین کنید بهتر است است.
رئیس - رأی میگیرم...
مخیر اجازه میفرمائید تشخیص این موضوع را باید گذاشت برای انجمن بلدی. ما اینجا بنویسیم حومه. البته انجمن بلدی نقشه دارد و در آن مفصلاً حومه شهر را مرتب کرده اند.

رئیس - رأی میگیرم به پیشنهاد آقای مقوم الملک.
 آقایانی که این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام فرمایند.
(ممدودی برخاستند)
رئیس - قابل توجه نشد. اصلاح پیشنهادی یاسائی.
(شرح ذیل قرائت شد)
 بنده پیشنهاد می کنم (حومه شهر) به بلوکات و قراقرز تهران تبدیل شود.

رئیس - بفرمائید.
یاسائی - چون این عوارض مختص تهران و اطراف تهران است از این جهت بنده پیشنهاد کردم که لفظ حومه شهر تبدیل شود به بلوکات و قراقرز اطراف تهران زیرا حومه شامل دهات دور دست نخواهد شد و آن یانی هم که آقای مخیر فرمودند که انجمن بلدی خودش تقاط جزء حومه شهر را معین میکند و در آن نقشه مفصلی که دارد مرتب می نماید صحیح است ولی متأسفانه عجلتاً انجمن بلدی نداریم و با پیشنهادی که آقای تدین کردند قابل توجه هم شد شاید اساساً بنده از بین رفت مثل مجلس سنا چون در قانون اساسی نوشته است وقتی مجلس سنا نبود مجلس شورای هر کار بکنند کافی است و در واقع تصدیق اینکه این بلدی قائم مقام بلدی قانونی باشد طبقاً بلدی قانونی رامون میگذارد و ما هیچ وقت بلدی قانونی نخواهیم داشت لذا عقیده بنده است با این ترتیب نمی شود منتظر شد که انجمن بلدی کی تشکیل خواهد شد که حومه شهر را معین کند و از آن حالا يك مشکلاتی برای اطرافهای طهران

ماده پنجم - مالکین وسائط نقلیه میتوانند مطابق ماده اول مالیات ماهیانه داده و باین طریق از مالیات دخیولیه مذکوره در ماده دوم معاف گردند - حائری زاده ماده فوق را عوض ماده شش سابق پیشنهاد می نماید .

رئیس - آقای حائری زاده (اجازه)

حائری زاده - اصلاً کلمه حومه را برای چه اینجا زیاد کرده اند ؟ برای سهولت عکار و برای اینکه ساکنین دهات اطراف شهر بتوانند بلبط ماهیانه بگیرند و هر دفعه که میخواهند داخل شهر شوند محتاج نباشند که معطل بلبط شوند و علاوه معین کردن حومه اسباب زحمت میشود اصلاح بهتر است حومه را حذف کنیم - هر آدمی میخواهد بشهر بیاید اگر برایش صرفه داشت بلبط ماهیانه میکرد و اگر خرج قطار روزی یکی دودفتمی میخواهد پنج فرسخی باشد بخواب دو فرسخی - پس خوب است کلمه حومه را حذف کنیم .

مخبر - برای این که از یک طرف بیجیب بود و ممکن است نظر آقایان را جلب کند ولی اساساً این ترتیب ضرر شهر و بلدیه تمام میشود برای اینکه اگر اینطور رای بدیده هر کس برایش صرفه داشته باشد رفتار میکند و هر کس نخواهد رفتار نمیکند - آقای یک جنبه خصوصی را در نظر گرفتند .

خوب است جنبه عمومی را هم که بلدیه است در نظر بگیرند - آنوقت پیشنهاد بفرمایند .

رئیس - رای میگیریم بقابل توجه بودن این پیشنهاد آقایان موافقین این پیشنهاد قیام فرمایند (اکثر نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه شد - نفس داده میشود .

(در این موقع جلسه برای نفس تعطیل پس از نیم ساعت مجدداً تشکیل گردید)

رئیس - ماده سوم که قبل از نفس مطرح شد ولی رای نگرفتیم باید رای بگیریم قرائت میشود (بعضون ذیل خوانده شد)

ماده سوم - کالسکه درشکه و امثال آنها که اسقاط شده و یا در حال تعطیل است و یا بالاخره مثل مال التجاره برای فروش گذاشته اند از مالیات بلدی مساف خواهد بود مشروط بر اینکه کتباً به اداره مربوطه اطلاع داده شده باشد

رئیس - رای گرفته میشود آقایانی که ماده سوم را بر تریبی که قرائت شد تصویب میکنند قیام فرمایند

ماده پنجم - تصویب شد .

(شرح آتی خوانده شد)

ماده ششم - وسائط نقلیه که از مالیات معافند بقرار ذیل است :

- ۱- وسائط نقلیه مخصوص سلطنت و دولت .
- ۲- وسائط نقلیه مخصوص مأمورین سیاسی دول خارجه .
- ۳- وسائط نقلیه مخصوص تشون از هر قبیل .
- ۴- وسائط نقلیه متعلقه به خدمات صبحیه .
- ۵- وسائط نقلیه مخصوص به خدمات بلدییه .
- ۶- وسائط نقلیه شخصی مستخدمین سلطنت و دولت و مقاماتخانه ها و افراد نظام از مالیات معاف نخواهند بود .

رئیس - قسمت اول آقای شیروانی راجع به قسمت اول است ؟

شیروانی - بنده با تمام قیمت ما مخالفم .

رئیس - بفرمایند .

شیروانی - در اینجا گفته میشود که اگر یک قفله از این مالیاتها ما چیزی بکاهیم منافع شهر ضرر میخورد بودجه بلدییه کسر میشود و از این قبیل حرف ها زیاد زده میشود .

البته بنده موافقم که مالیاتهای نباید فکر کرد برای اینکه بنافع شهر ضرر نخورد و اساس بلدییه مرتب شود تا اگر کسر بودجه دارد جبران شود ولی بنده می بینم همیشه تمام توجه باین است که از دلچسپان کاری درشکه دوچرخه و چیزهایی که مخصوص یک طبقه خاصی است این بودجه را از آنها تأمین کنند ولی آنها را که توانائی پرداخت یک پولهای دارند هیچوقت در نظر نمیگیرند پیشنهادهایی هم که در این باب میشود رد میشود لیکن بنده باید وظیفه خود را ادا کرده و پیشنهاد کنم خواه پذیرفته بشود خواه نشود .

بنده از این پنج قسمت فقط قسمت قشون را که معمولاً در تمام جاهای دنیا مالیات نمیدهند قبول دارم ولی سایر افراد مملکت اعم از اینکه شغلشان نوکری دولت باشد یا تجارت در بازار در مالیات دادن مساوی خواهند بود .

همانطور که بریروز آقای مشاور عظم فرمودند مردم در مقابل قانون باید مساوی باشند اینجا بعضی استثناء ها هست مثلاً دولت :

دولت عبارت است از وزیر و معاون و

رؤسای ادارات و مدیران و غیره .

مگر اینکه روی اتومبیلها نقش شده باشد که این مال دولت است آنرا میشود تشخیص داد ولی ما بیستیم وزیر در اتومبیل نشسته است ممکن است خودش باشد و چون حضور دولت است اتومبیلی هم که نشسته است از مالیات معاف است و در رویش هم پلاک ندارد که معلوم شود مال دولت نیست این را بنده مخالفم بجهت اینکه بطور ایهام نوشته است در قسمتهای دیگر هم تصور نمیکند در سایر جاهای دنیا از دادن مالیات معاف باشند مثلاً مأمورین خارجه .

اگر مأمورین خارجه مادر جا های دیگر معافند ما هم آنها را معاف میکنیم ولی اگر مأمورین مادر خارجه معاف نیستند اینجا هم باید معارضه بعمل بشود . همین طور بقیه را هم بنده مخالفم .

مخبر - اینجا هادری بنظرو عقیده خودشان تفسیر فرمودند والا مقصود از قانون یک چیزهای عمومی است اینجا نوشته دولت :

یک وزیر یک اتومبیل یادشکه با کالسکه یا هر قسم از وسائط نقلیه که داشته باشد باید مالیاتش را بدهد . مقصود از دولت و وزارتخانهها است . متعلق بدولت و وزارتخانهها است . قشون هم همانطور که فرمودید موافقید سایر مسائل هم مطابق ترتیبی است که در تمام دنیا معمول است .

صحب و بلدییه هم همینطور فرضاً هم که اداره صحیه یا بلدییه مالیات وسائط نقلیه خود را بدهند جزء مخارج اداره میشوند از جیب کسی که بیرون نیاید اگر ندهد بخرج اداره میشوند زیرا دولت یا بلدییه یا صحیه که شخص معینی نیست کار جیب خودش بدهد .

پس این ماده بکلی جنبه عمومی دارد و تبصره هم مخصوصاً میگوید که اگر اشخاصی وسائط نقلیه داشته باشند خواه افراد قشون خواه اعضاء دولت اگر بخواهند بگویند از داده این مالیات معافیم میشود و آنها هم بایستی مالیات خودشان را بدهند .

رئیس - آقای داور (اجازه)

داور - موافقم .

(جمعی - مذاکرات کانی است)

رئیس - رای گرفته میشود بماده شش . آقایانی که تصویب میکنند قیام فرمایند .

(جمعی از نمایندگان برخاستند)

رئیس - تصویب شد - ماده هفتم (شرح آتی قرائت شد)

ماده هفتم - هر کس در تأدییه مالیات های مذکوره در مواد ۳ و ۴ در ظرف مدتیکه در نظامنامه معین خواهد شد امتناع فرمایند .

تخلف نماید علاوه بر اخذ مالیات در مرتبه اولی یک ثلث و در مرتبه ثانی یک برابر مالیات از او جریمه دریافت خواهد گردید .

رئیس - آقای امیراعلم و آقای یاسائی در قفله پیشنهاد نسبت بماده شش کرده بودند قفله شد خوانده بشود در هر صورت ارسال میشود به کمیسیون .

آقای عدل الملک (اجازه)

عدل الملک - بنده اماده مخالف نیستم ولی یک کلمه دارد که بآن مخالفم و آن (امتناع) است اگر کسی از اطاعت قانون مصوبه مجلس امتناع کرد مجازاتش خیلی زیاد است در این ماده همان کلمه تخلف کانی است پیشنهادی هم برای حذف این کلمه کرده ام .

رئیس - آقای اسد بقیوب (اجازه)

آقای اسد بقیوب - بنده خواستم از آقای مخبر سؤال کنم ما چه طور میتوانیم .

رئیس - موافقت با مخالف ؟

آقای اسد بقیوب - بنده سؤال دارم .

پلی مخالفم .

رئیس - پس تأمل بفرمایند . آقای مشاور عظم (اجازه)

مشاور عظم - بنده هم مخالفم .

رئیس - (خطاب به آقای اسد بقیوب) بفرمایند .

آقای اسد بقیوب - اینجا نوشته است هر کس در تأدییه مالیاتهای مذکوره در مواد ۳ و ۴ در ظرف مدتی که در نظامنامه معین خواهد شد . . . هنوز معین نشده است کاین چیست ؟

بنده هنوز نمیدانم مدتش چقدر است و معلوم نیست که آن مدت کانی است یا چیزی غیر معین را که نمیتوانم جبراً رای بدیم پس خوب بوده مدت را معین کرده بودند تا ما بتوانیم درست رای بدیم .

مخبر - اولاً قبیل از اینکه قانونی وضع بشود ممکن نبود نظامنامه اش را بنویسیم اول باید قانون را تصویب کرد بعد نظامنامه نوشت رایی که آقایان میدهند رای اساسی است که در صورت تخلف در آن مدت معین دادن این علاوه بر او وارد است .

حالا مدت مهلت خواه ده روز معین شود خواه پانزده روز یک چیز فرضی است که خود نظامنامه باید معین کند و مربوط به اساس نیست

رئیس - آقای مشاور عظم (اجازه)

مشاور عظم - بنده مخالفم .

رئیس - آقای حائری زاده (اجازه)

حائری زاده - ماده اصلاح عبارتی دارد . مواد دوسوه که نوشته شده است باید

مواد یک و دو بشود

مخبر - صحیح است (جمعی از نمایندگان - مذاکرات کانی است)

رئیس - پیشنهاد آقای عدل الملک (شرح ذیل قرائت شد)

بنده در ماده ۸ تقاضای تفکیک میکنم باین طریق که بدو ا حذف کلمه (امتناع) که در صورت ماده ذکر است رای گرفته شود بعد بتمام ماده اینطور اصلاح بشود و در اصل ماده رای بگیریم .

(ماده با حذف کلمه امتناع مجدداً قرائت شد)

رئیس - رای گرفته میشود بماده هفت بر تریبی که قرائت شد .

آقایان موافقین قیام فرمایند . (جمع کثیری قیام نمودند)

رئیس تصویب شد - ماده هشت . (بعضون آتی خوانده شد)

ماده هشت - اشخاصی که دارای وسائط نقلیه میشوند مکلفند خودشان بداناره مربوطه اطلاع دهند والا برای مدتی که اطلاع نداده اند مالیات مقرره اخذ و در مرتبه اولی ثلث و در مرتبه ثانی یک برابر مالیات بعنوان جریمه دریافت خواهند شد .

رئیس - آقای عدل الملک (اجازه)

عدل الملک - آقای شریعت زاده در موقی که ماده چهار مطرح بود فرمودند این ماده در ضمن ماده ۸ یعنی هشت فعلی تأمین شده است و باین جهت پیشنهاد حذف آن مادرا کردند حالا که رای گرفته شد ماده چهار تصویب شد بنده تصور میکنم دیگر این ماده لزومی نداشته باشد در ماده چهار مینویسد مادام که مالکین وسائط نقلیه از فروش و یا انتقال وسائط نقلیه خود کتباً بداناره مربوطه نداده اند ملزم به پرداخت مالیاتهای مقرره در این قانون خواهند بود در این ماده هشت مینویسد اشخاصی که دارای وسائط نقلیه میشوند مکلفند خودشان بداناره مربوطه اطلاع دهند والا برای مدتی که اطلاع نداده اند مالیات مقرره اخذ و در مرتبه اولی ثلث و در مرتبه ثانی یک برابر مالیات بعنوان جریمه دریافت خواهد شد .

در ماده هفت مینویسد هر کس در تأدییه مالیاتهای مذکوره در مواد یک و دو در ظرف مدتی که در نظامنامه معین خواهد شد تخلف نماید علاوه بر اخذ مالیات در مرتبه اولی یک ثلث مالیات و در مرتبه ثانی یک برابر مالیات از او جریمه دریافت خواهد گردید .

بنده عرض میکنم نسبت به یک موضوع الزام درسه مورد برای چیست ؟ و اینکه تخلف جریمه میشود کانی است برای جزای کسان ب علاوه .

ماده هفت از حیث عبارت هم صحیح نیست

رئیس - آقا ماده هفت گذشت .

عدل الملک - این ماده هفت مینویسد در مرتبه اولی ثلث و در مرتبه ثانی یک برابر مالیات بعنوان جریمه دریافت خواهد شد این را بنده (بعضی از نمایندگان - در ماده هشت مذاکره بفرمایند)

عدل الملک - بنده در همان ماده هشت عرض دارم اینجا مینویسد در مرتبه اولی ثلث و در مرتبه ثانی یک برابر مالیات بعنوان جریمه دریافت خواهد شد این را بنده نمی فهمم اگر حایناً اطلاع نداد او مالیات جریمه را میگیرند دیگر در مرتبه اطلاع نداد یعنی چه . بنده عقیده دارم بعد از این که ماده چهار تصویب شد و ماده هفت هم تصویب شده است که مطلقاً تخلف سبب جریمه است ماده هشت زائد است و بنده پیشنهاد حذف ماده هشت را میکنم .

مخبر - کمیسیون تصور کرد این ماده پیشنهادی دولت زائد نیست اولاً اینکه میگویند اولی و ثانی ندارد چرا دار یک کسی باید اطلاع بدهد که من یک درشکه یا یک گاری خریدارم در مرتبه اولی تخلف از دادن اطلاع میکنم مجازاتش معین است باز می بینید همین آدم خلاف کرد آنوقت مجازات مرتبه دوم بر او وارد است .

اقبل در میان دلالتها این کار مورد پیدا میکند چون در دفعه اول میتوانست بگیرد تفهیم نداشتیم در این صورت نمیشود قوری مجازات قوی برایش قرارداد ولی دفعه دوم که کرد معلوم میشود این آدم کارش این است .

این است که آن جریمه بیشتر را از او میگیرند .

اما اینکه فرمودند چندجا از اموالیات گرفته میشود اینطور نیست و این ماده برای تأکید است اگر خرید معلوم است همان روز که خریده بوجب قانون باید مالیات بدهد وقتی که اطلاع نداد این ترتیب را در مورد او بوقع اجرا میگذارند و چیز زائدی نیست .

رئیس - آقای شریعت زاده (اجازه)

شریعت زاده - چون توضیحی است از طرف بنده راجع بماده چهار داده شد مورد قبول واقع نشد بنظر بنده این ماده باید اصلاح شود هیچ تردیدی نیست که بوجب ماده چهار اگر کسی یک وسیله نقلیه را فروخت باید اطلاع بدهد و مالیات مدتی را که اطلاع نداده باید بدهد این یک اصل ناچینی است .

در ماده هشت مینویسد اشخاصی که دارای وسائط نقلیه می شوند اگر اطلاع ندادند مالیات آن مدت را باید بدهند .

بنابر این ممکن است مأمورین اجرای دولتی در یک موضوع ازدوجا مالیات و جریمه بگیرند و این هیچ علت ندارد زیرا در ماده چهار برای شخص فرود شده و در اینجا برای خریدار جزائی معین کرده است و تصدیق باینکه راجع بیک موضوع دو نفر هم مالیات بدهند هم جریمه در هیچ منطقی درست در دنیا نیست ولی چون آن ماده چهار تصویب شده است باید در نظر آورد که این ماده را اقلاً اصلاح کرد .

اما راجع بآن مرتبه اول و دوم که ایراد کردند بنظر بنده اشکالی ندارد زیرا ممکن است یک نفر یک وسیله نقلیه را بفرد و اطلاع ندهد و محکوم به جریمه شود .

ثانیاً یک وسیله نقلیه دیگر میخرد باز اطلاع نمیدهد این دفعه تکرار کرده است و مسئله تکرار موجب مجازات شدید است پس اشکالی ندارد .

مقصود بنده از مخالفتی که کردم این است که در ذیل ماده عبارتی اضافه شود که اگر معوق شود دائره مربوطه مالیات معوقه را بوجب ماده چهار از مالک اول دریافت نموده اخذ مالیات ثانیاً نشود منتهی برای تخلف از قانون یعنی عدم اطلاع جریمه باو تعلق نمیکرد و همین را بصورت پیشنهاد تقدیم میکنم .

مخبر - اولاً اینکه در تکرار موافق بودند اشکالی نمیدیدند خیلی ممنونم که اشکالات و اختلافات رفع شود ولی در موضوع خریدار و فروشنده یک مورد خاصی را تصور فرمودند که همیشه فروشنده در تهران باشد و بوجب ماده چهار چون اطلاع نداد مالیاتی از او گرفته شود .

خریدار هم همینطور اینطور نیست یک نفر با یک اتومبیل یا یک مال وارد این شهر میشود این اتومبیل خودش را بیک نفر فروشد و خودش میرود و چون میخواسته بود خود را محتاج با اطلاع دادن نمیداند . حالا دیگر فروشنده در این نیست که برونند از اموالیات بگیرند تکلیف اداره وسائط نقلیه در این مورد چیست . این ماده خریدار را مکلف میکند که فوراً اطلاع بدهد اگر اطلاع نداد این مالیات را از او میگیرند همینطور اینطور نیست میفروشد خریدار چون میخواهد بعد از بیست روز یکماه برود و نمیخواهد اینجا بماند بندهد و میرود ولی فروشنده اینجا بماند برای این مورد دولت از فروشنده باید بگیرد برای اینکه مالیات این چند روز که نباید از بین برود پس چون موازاد

مختلف است هر دو ماده لازم است و از کسی هم دوباره مالیات گرفته نمیشود . بعضی از نمایندگان - مذاکرات کانی است .

رئیس - پیشنهاد آقای شریعت زاده (شرح آتی خوانده شد)

مقام منبع ریاست مجلس شورای ملی دامت عظمت - بنده میگویم جمله ذیل بماده هشت افزوده شود ولی هر گاه معلوم شود که دائره مربوطه مالیات معوقه را بوجب ماده چهار این قانون از مالک اول دریافت نموده فقط جریمه مقرر فوق دریافت خواهد شد .

رئیس - بفرمایند .

شریعت زاده - توضیح دادم .

رئیس - رای میگیریم بقابل توجه بودن این پیشنهاد آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام فرمایند (چند نفری برخاستند)

رئیس - قابل توجه نشد - آقای تدین (اجازه)

تدین - یک اصلاح عبارتی لازم است . این کلمه خودشان تصور میکنند در اینجا زائد است علاوه تولید اشکال میکند . اینجا نوشته اشخاصی که دارای وسائط نقلیه میشوند مکلفند خودشان بداناره مربوطه اطلاع دهند تبصیه اطلاع است خواه خودش برود خواه خبر بدهد .

مخبر - بنده موافقم باین پیشنهاد و قبول میکنم که اصلاح بشود بعد رای بگیرند .

رئیس - چه پیشنهاد ؟

مخبر - حذف کلمه خودشان (مجدداً ماده هشت با حذف کلمه خودشان خوانده شد)

رئیس - رای میگیریم باین ماده .

آقایان تصویب میکنند کان قیام فرمایند . (اکثر برخاستند)

رئیس - تصویب شد - ماده نهم (بعضون ذیل خوانده شد)

ماده نهم - این قانون از روز تصویب توسط بلدییه بوقع اجرا گذاشته میشود .

رئیس - آقای عدل الملک (اجازه)

عدل الملک - قانون اگر قبلاً از انتشار بخواهد اجرا بشود تولید اشکال البته باید مدتی را در نظر گرفت تا مردم سابقه پیدا کنند . اگر چه مردم سابقه دارند ولی قبل از انتشار اسباب زحمت میشود .

متکن است کسیکه حالا این قانون برای اوضاعه مالیات قرار داده بواسطه آنسب مالیات قدیم بآن مقدار که کمتر و محتاج است پول همراهِ ندارد و در محقیه بیفته ناچار یک فاصله برای اطلاع پیدا کردن مردم لازم است .

در ماده هشت مینویسد اشخاصی که دارای وسائط نقلیه می شوند اگر اطلاع ندادند مالیات آن مدت را باید بدهند .

بنابر این ممکن است مأمورین اجرای دولتی در یک موضوع ازدوجا مالیات و جریمه بگیرند و این هیچ علت ندارد زیرا در ماده چهار برای شخص فرود شده و در اینجا برای خریدار جزائی معین کرده است و تصدیق باینکه راجع بیک موضوع دو نفر هم مالیات بدهند هم جریمه در هیچ منطقی درست در دنیا نیست ولی چون آن ماده چهار تصویب شده است باید در نظر آورد که این ماده را اقلاً اصلاح کرد .

اما راجع بآن مرتبه اول و دوم که ایراد کردند بنظر بنده اشکالی ندارد زیرا ممکن است یک نفر یک وسیله نقلیه را بفرد و اطلاع ندهد و محکوم به جریمه شود .

ثانیاً یک وسیله نقلیه دیگر میخرد باز اطلاع نمیدهد این دفعه تکرار کرده است و مسئله تکرار موجب مجازات شدید است پس اشکالی ندارد .

مقصود بنده از مخالفتی که کردم این است که در ذیل ماده عبارتی اضافه شود که اگر معوق شود دائره مربوطه مالیات معوقه را بوجب ماده چهار از مالک اول دریافت نموده اخذ مالیات ثانیاً نشود منتهی برای تخلف از قانون یعنی عدم اطلاع جریمه باو تعلق نمیکرد و همین را بصورت پیشنهاد تقدیم میکنم .

مخبر - اولاً اینکه در تکرار موافق بودند اشکالی نمیدیدند خیلی ممنونم که اشکالات و اختلافات رفع شود ولی در موضوع خریدار و فروشنده یک مورد خاصی را تصور فرمودند که همیشه فروشنده در تهران باشد و بوجب ماده چهار چون اطلاع نداد مالیاتی از او گرفته شود .

خریدار هم همینطور اینطور نیست یک نفر با یک اتومبیل یا یک مال وارد این شهر میشود این اتومبیل خودش را بیک نفر فروشد و خودش میرود و چون میخواسته بود خود را محتاج با اطلاع دادن نمیداند . حالا دیگر فروشنده در این نیست که برونند از اموالیات بگیرند تکلیف اداره وسائط نقلیه در این مورد چیست . این ماده خریدار را مکلف میکند که فوراً اطلاع بدهد اگر اطلاع نداد این مالیات را از او میگیرند همینطور اینطور نیست میفروشد خریدار چون میخواهد بعد از بیست روز یکماه برود و نمیخواهد اینجا بماند بندهد و میرود ولی فروشنده اینجا بماند برای این مورد دولت از فروشنده باید بگیرد برای اینکه مالیات این چند روز که نباید از بین برود پس چون موازاد

معمول است.
شیروانی - مردم این قانون جدید را نمیشناسند.
مخبر - آقا آرزو میفرمودند مالیات چیزی است که مردم عادت کرده باشند که بدهند و امروز میگویند نمیشناسند امروز برخلاف قانون چیزهایی از مردم میگیرند و از خیلی مدت پیش از این هم می گرفته اند و حالا اگر برای این قانون جدید مدتی قرار بگذارند این مدت هم همان پول های خلاف قانون را خواهند گرفت.

وقتی که ماده اول این قانون اینجا مطرح بود مذاکره شد که قانون سابق را لغو کنید و نشد و اگر لغو میشد و برای این قانون مدتی وقت می گذاشتند و پس از آن مدت اجرا میشد بنده اشکالی نداشتم ولی چون لغو نشده برای مصلحت مردم بهتر این است که از روز تصویب اجرا کنند.

(جمعی از نمایندگان گفتند مذاکرات کافی است بعضی دیگری گفتند کافی نیست)

رئیس - رأی میگیریم بکفایت مذاکرات.
 آقایانیکه مذاکرات را کافی میدانند قیام فرمایند . (اکثر نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - اکثریت است.
نصرت الدوله - بنده در دستور راجع بتقدیم وتأخیر مرضی دارم .
رئیس - بفرمائید .

نصرت الدوله - آن وقتی که ماده اول مطرح بود گفته شد که قانون قبل بعد از تصویب قانون جدید باید نسخ بشود و حالا اگر آقای مخبر موافق باشند آن ماده قبلاً از این ماده که راجع باجراست باید نوشته شود.

مخبر - بنده موافقم که ماده یک شود ماده نه و این ماده همانطور که بود ماده ده باشد .
مخبر - بلی ماده بندی است اشکالی ندارد .

رئیس - پیشنهاد آقای عدل الملک (بترتیب ذیل خوانده شد)
 بنده پیشنهاد می نمایم یک ماه بعد از تصویب بوقوع اجراء گذاشته شود

عدل الملک - این که آقای مخبر فرمودند در صورتیکه مالیات غیر قانونی را در نظر نگرفتم نسخ شود و اجازه دادیم بحال خودش بماند تعیین مدت اشکال دارد اینطور نیست این مسئله در مجلس سابقه دارد سابقاً مذاکره شده و قرار شد دولت پیشنهاد هائی تهیه نموده بیاورد ب مجلس تا صورت قانونی پیدا کند و بوقوع اجرا گذارد و همینطور هم شده اگر راجع باین

مدت جای نگرانی باشد اگر این مسئله جای نگرانی بود باید سایش هم جای نگرانی باشد درستست که مردم سابقه دارند ولی اینجا اضافاتی شده است و گمانیکه می بایست مالیات بدهند برای این افزایشها شاید پول همراه نداشتند و پیش بینی نکرده اند آنوقت مشاجره بین آنها و مأمورین حاصل میشود و در صورتیکه این یک ماه مهلت داده شود قانون منتشر میشود و مردم ملتفت میشوند و از این اشکالات جلوگیری میشود

رئیس - رأی میگیریم بقایم توجه بودن پیشنهاد آقای عدل الملک آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام فرمایند (چند نفری برخاستند)
رئیس - قابل توجه نشد . اصلاح دیگر (پیشنهاد آقای هرمزی بشرح ذیل خوانده شد)

(بنده پیشنهاد میکنم ماده ۹ باین ترتیب اصلاح شود : ماده ۹م این قانون از روز تصویب پس از اعلان و انتشار توسط بلدیة بوقوع اجراء گذاشته میشود)
رئیس - آقای هرمزی (اجازه)

هرمزی - چون هیچ قانونی قبل از اعلان و انتشار مورد ندارد که بوقوع اجرا گذاشته شود بنده پیشنهاد کردم که بعد از اعلان و انتشار بوقوع اجرا گذارده شود .

رئیس - آقایانیکه این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام فرمایند (عده قلیلی قیام نمودند)
رئیس - رد شد . پیشنهاد آقای حائری زاده

(بشرح ذیل خوانده شد)
 حائری زاده پیشنهاد میکند ماده ده سابق بیارت ذیل نوشته شود . ماده - این قانون تحت نظر وزارت داخله بوقوع اجرا گذارده میشود
رئیس - بفرمائید

حائری زاده - بلدیة قانونی که امروز نیست . وقتی هم که بلدیة قانونی تشکیل شود بموجب قانون لواحق خود را توسط وزارت داخله تقدیم مجلس میکند . من تصور میکنم که اگر فلان در تحت نظر وزارت داخله بوقوع اجرا گذاشته شود انطباق است و ضرر ندارد .

مخبر - این قانون از تصویب مجلس شورا می گذرد و نسبت بسابق کم و زیاد میشود . آن چیزیکه مجلس شورای ملی تصویب کرده فوراً بوقوع اجرا گذارده میشود و هیچ اشکالی هم ندارد . راجع بقسمت وزارت داخله هم بنده از افکار آقایان اعضاء کیسیون مطلع نیستم و اینجا هم قدری که ممکن است چند نفری را که می بینم و تبادل نظر میکنم می بینم موافق نیستند این است که برای مجلس

شورای ملی را گذار میکنند
رئیس - رأی گرفته میشود بقبول توجه بودن این پیشنهاد . آقایان موافقین قابل توجه قیام نمایند (عده قیام نمودند)
رئیس - قابل توجه نشد .

مخبر - اجازه میفرمائید عرض کنم اینجا ممکن بود سوء استفاده شود که مقصود از بلدیة همین بلدیة و ترتیبی است که امروز هست .

غیر بلدیة اعم است فردا ممکنست مجلس تصویب بکند همان قانون بلدیة امراء شود و انجمن تشکیل شود اینجا بطور عموم نوشته شده بلدیة مقصود یک بلدیة خصوصی نیست .

رئیس - پیشنهاد آقای شیخ العراقین زاده

(بشرح ذیل قرائت شد)
 بنده پیشنهاد می نمایم که ماده دهم بطریق ذیل اصلاح شود : ماده ده - این قانون پس از تصویب اعلان توسط بلدیة بوقوع اجرا گذاشته میشود
رئیس - آقای شیخ العراقین زاده (اجازه)

شیخ العراقین زاده - اساساً هر تکلیفی که میشود فرع است . هر قانونی که وضع میشود و مادام که مردم از آن مطلع نشده اند بوقوع اجرا گذارده نمی شود در تمام دنیا معمول است هر قانونی که وضع می کنند برایش یک مدتی قرار میدهند که در معابر و جراید و الصان بدیوارها اعلان میکنند تا مردم مستحضر بشوند .

اینجا نوشته شده از روز تصویب توسط بلدیة بوقوع اجرا گذارده میشود اول این نکته را باید ملاحظه کرد که در قوانین جهات ادبی همیشه باید رعایت شود کلماتی که در محاورات استعمال میشود نباید در قانون نوشته شود . انصافاً از روز تصویب بوقوع اجرا گذارده میشود یعنی چه ؟

چطور الساعه که اینجا تصویب میشود باید بوقوع اجرا گذاشته این عملی نیست بنابراین باید اعلان شود پیشنهادی که آقای عدل الملک کردند صحیح بود ولی او رد شد لاف اعلان را قبول کنید که پس از تصویب اعلان بوقوع اجرا گذاشته شود
رئیس - آقای داور (اجازه)

داور - اساساً مسئله اعلان حق مسلمی است که بنده گمان میکنم هیچیک از آقایان نمایندگان مخالف نباشند که هر قانونی را پس از تصویب و اعلان بوقوع اجرا گذارند ولی این پیشنهاد باین ترتیبی که نوشته شده تولید اشکال میکند . نوشته اند پس از تصویب . پس از تصویب چه وقت است ؟ باز اگر یک مدتی معین گرفته شود .

کرده بودند که مثلاً این قانون سه روز پس از تصویب اعلان و بوقوع اجرا گذاشته میشود یک ترتیبی بود والا اگر این پیشنهاد باین طرز تصویب بشود دولت پس از هر مدتی که بخواهد میتواند اعلان کند و بوقوع اجرا بگذارد و از آن روز مطابق قانون میتواند مالیات بگیرد .

شیخ العراقین زاده - اینجا یک داد - کم دارد این قانون پس از تصویب اعلان توسط بلدیة بوقوع اجرا گذاشته میشود .

رئیس - رأی میگیریم . آقایانی که پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام فرمایند .

(عده قلیلی قیام نمودند)
رئیس - تصویب نشد .

هات الشعراء - آقایان ملتفت نشدند .
آقای میرزاهاشم آشتیانی - خودشان هم بلند نشدند .

رئیس - رأی مشکوک شد ؟ (جمعی از نمایندگان بلی)
رئیس - دوباره رأی میگیریم .
شیخ العراقین زاده - اجازه میفرمائید توضیح بدهم .

رئیس - دوم مرتبه نمیتوانید توضیح بدهید . رأی میگیریم . آقایانیکه پیشنهاد آقای شیخ العراقین زاده را قابل توجه میدانند قیام فرمایند (اکثر نمایندگان برخاستند)
رئیس - قابل توجه نشد . ماده نه قرائت میشود .

(اینطور خوانده شد)
 ماده نهم - مواد یک . سه . چهار . پنج . هفت و هشت قانون پنجم ربیع الاول ۱۳۲۸ نسخ و مواد ذیل بر قانون مزبور الحاق میشود .
رئیس - عبارت مواد ذیل باید عوض شود .

یکتفر از نمایندگان - مواد فوق بایستند .

مخبر - فوق نمیشود نوشته . برای اینکه بدش هم دوامه دارد . ممکن است نوشت مواد یازده گانه بر قانون مزبور الحاق میشود . یا اینکه این ماده را آخر بگذاریم و مواد فوق بتویسم .
رئیس - پیشنهادی بفرمائید تارای گرفته شود .

مخبر - ماده یازدهم را ممکن است مطرح بفرمائید تا بنده ماده را اصلاح و تقدیم کنم .
رئیس - آقای کازرونی .
کازرونی - عرضی ندارم .

مخبر - مذاکره در این ماده تمام است . در جلسه اول صحبت شده فقط باین برای گرفته شود .

رئیس - پس پیشنهاد بفرمائید .
مخبر - چشم .
رئیس - ماده یازده (باین عبارت خوانده شد)
 ماده یازدهم - بلدیة تهران مأمور تهیه نظامنامه و اجراء این قانون خواهد بود .

رئیس - آقای کازرونی (اجازه)

کازرونی - بلدیة عبارتست از یک مؤسسه ملی است که بر طبق قانونی که از مجلس مقدس شورای ملی گذشته و کلاسی را مردم انتخاب میکنند و یک وظائفی را که قانون برای آنها معین کرده است بوقوع اجرا میکنند .

این اسمی است که علم شده است برای همجو مؤسسه . لیکن همجو مؤسسه که دارای این صفت باشد فعلاً سراغ نداریم بنده نمیدانم آیا این صحیح است که در مجلس مقدس قبول کنیم باین مؤسسه که بلدیة نیست و رسمیت ندارد اسم بلدیة داده شود ؟ اینجا که نوشته شده این قانون را بلدیة بوقوع اجرا بگذارد مقصود آقایان همان بلدیة است که قانون معین کرده و مصداق کلمه بلدیة است یاخیر مقصود همین بلدیة فعلی است که این بلدیة بوقوع اجرا بگذارد ؟

اگر غرض این مؤسسه است گمان نمیکنم نمایندگان محترم قبول بکنند که اسم این بلدیة بیک مؤسسه غیر رسمی داده شود . آخر این مؤسسه از روی چه قانونی تشکیل شده ؟ کارهایش از چه قرار است ؟ کسی معین کرده و ما چه چیز را بر رسمیت بشناسیم ؟

آقای حائری زاده پیشنهاد کردند که نسخ و مواد ذیل بر قانون مزبور الحاق میشود .
رئیس - عبارت مواد ذیل باید عوض شود .
 آن ماده یک جزء دیگر هم داشت آن از روز تصویب بود از روز تصویب یعنی چه ؟ یعنی اگر تصویب شود الساعه قبل از ابلاغ بدولت باید بوقوع اجرا گذارده شود ؟ در صورتیکه هر قانونی جریانی دارد و باید بعد از تصویب بدولت ابلاغ شود در هر صورت بنده با این ماده از این نقطه نظر که بلدیة رسمی نداریم مخالفم چون میدانم در واقع کلمه بلدیة مخصوص مؤسسه است که از روی قانون مصوب مجلس شورای ملی تشکیل شده باشد معنی آن پیشنهادی هم که آقای تدین کردند و پذیرفته شد متذکر باین است که این بلدیة قانونی شمرده میشود .

بنی میسکن است همین بلدیة بجای نظر که بلدیة رسمی نداریم مخالفم چون میدانم در واقع کلمه بلدیة مخصوص مؤسسه است که از روی قانون مصوب مجلس شورای ملی تشکیل شده باشد معنی آن پیشنهادی هم که آقای تدین کردند و پذیرفته شد متذکر باین است که این بلدیة قانونی شمرده میشود .

بنی میسکن است همین بلدیة بجای نظر که بلدیة رسمی نداریم مخالفم چون میدانم در واقع کلمه بلدیة مخصوص مؤسسه است که از روی قانون مصوب مجلس شورای ملی تشکیل شده باشد معنی آن پیشنهادی هم که آقای تدین کردند و پذیرفته شد متذکر باین است که این بلدیة قانونی شمرده میشود .

بلدیة قانونی باشد بمنزله این است که قانونی که از مجلس گذشته نسخ بشود در اثر این نسخ سایر قوانین هم حالت تزلزلی پیدا میکنند . این است که بنده قویاً مخالفم .

رئیس - آقای مشارعظم .
 مشارعظم - عرضی ندارم
رئیس - آقای عدل الملک (اجازه)

عدل الملک - آقای مخبر توضیح دادند که اطلاق کلمه بلدیة بهر طوری هست بر همین مؤسسه فعلی میشود و بلدیة که در این قانون ذکر میشود بطور مطلق است و باین آزادی که عبارت دارد محتاج هیچ قبضی نیست که بلدیة بهر معنی که میخواهد تصور کنید این قانون را بوقوع اجرا خواهد گذاشت .

مخبر - بنده خیال میکنم باید توضیح داده شود بلدیة که در این قانون ذکر می شود مقصود بلدیة قانونی است این بلدیة امروزی اداره بلدیة است در قانون بلدیة هم که ملاحظه بفرمایند تکلیف میکند .

یک انجمن بلدی است که وظائفی دارد و یک اداره بلدیة که اوامر انجمن را اجرا میکند .

حالا در حقیقت بلدیة که موجود است مؤسساتی دارد برای امور بلدیة و سنجیه و ساختمان و روشنائی و نظایف و البته هر اداره بلدیة در تحت ریاست یک نفر باید باشد این هیچ منافات ندارد که این قانون بهمین ترتیب بگذرد و کلمه بلدیة اینجا نوشته شود بعد اگر انجمن تشکیل شد فرضاً تئوراتی هم در قانون بلدیة داده شد آن قانون را بوقوع اجرا خواهند گذارد و اینجا هر تصریحی شود بیاورد است و بنظر بنده اینطوری که قانون بطور مطلق می گوید بلدیة اشکالی فراهم نخواهد شد . بلدیة چیزی است معلوم .

اینجا بلدیة قانونی نداریم در شیراز یا در شهر دیگر داریم منتهی باید دولت در سایر جاها هم بلدیة قانونی تشکیل بدهد و این محتاج بند کرمان است که در قانون بلدیة تجدید نظر کنیم یا اینکه همان قانون را پیشنهاد کنیم تا دولت انتخابات را شروع کند .

در حال اینجا مقصود این است که بجای انجمن بلدی انتخابی یک اداره ای را بگوئیم تمام وظایف قانونی آنرا دارد . این اداره ای است که تمام کارهای را که می بینید میکند و هیچ خلاف قانونی هم درش نیست .
رئیس - مذاکرات کافی است ؟

جمعی از نمایندگان - بلی کافی است .
رئیس - پیشنهاد آقای مدبر الملک قرائت میشود . (بترتیب ذیل قرائت شد)
 بنده پیشنهاد میکنم ماده یازده بطریق ذیل نوشته شود :

بلدیة تهران تا موقع تشکیل انجمن قانونی بلدی مأمور اجراء این قانون خواهد بود .
رئیس - آقای مدبر الملک (اجازه)

مدبر الملک - بعقیده بنده در اینجا ما باید از یک نقطه نظر ملاحظه کنیم و آن این است که مادام اسم بلدیة غیر رسمی ثابت شود بلدیة قانونی تشکیل نشود و بگوئید و کلاسی محترم مجلس شورای ملی رأی داده اند که این بلدیة قانونی است و همانطور که آقای تدین در ماده اول پیشنهاد کردند بنده هم اینجا پیشنهاد کردم که اسم برد شود تا موقع تشکیل انجمن قانونی بلدی این بلدیة مأمور اجراء این قانون خواهد بود .

رئیس - کیسیون چه میگوید ؟
مخبر - بنده نمیتوانم قبول کنم
رئیس - رأی میگیریم به قابل توجه بودن این پیشنهاد .
 آقایانی که قابل توجه میدانند قیام فرمایند .

(چند نفری قیام کردند)
رئیس - قابل توجه نشد . پیشنهاد آقای دولت آبادی .

(اینطور خوانده شد)
 بنده پیشنهاد میکنم در ماده یازده نوشته شود :

وزارت داخله مأمور تهیه نظامنامه است تا آخر ماده
 حاج میرزا یحیی دولت آبادی - بلدیة مسئول مجلس نیست . مسئول مجلس وزیر داخله و بلدیة جزو مؤسسات وزارت داخله است .

رئیس - رأی گرفته میشود
مخبر - اینجا سوء تفاهم می شود ماده که نوشته میشود نمیتوان تمام ترتیبات قانونی ملکتی را در آن اسم برد . اینجا صحبت از مسئولیت نیست معلوم است هیچ مؤسسه ای در مملکت تأسیس نمیشود مگر در تحت مسئولیت یک وزیر . شبهه ای نیست که اگر مجلس رأی نداد ازین راه است که تصریحش را لازم نمیدانم و نباید گفته شود که مجلس بلدیة مسئول خودش میدانند .

رئیس - رأی میگیریم
 آقایانیکه پیشنهاد را قابل توجه می دانند قیام فرمایند .
 (معدودی برخاستند)
رئیس - رد شد .

پیشنهاد آقای کازرونی هم طبقاً رد شده است .
 پیشنهاد آقای یاسانی قرائت میشود به نصفش رأی گرفته میشود نصف دیگرش رد شده است .
 (باین مضمون خوانده شد)
 بنده پیشنهاد میکنم ماده یازده اینطور اصلاح شود :

اداره بلدیة موقتی طهران مأمور تهیه نظامنامه و اجراء این قانون در تحت نظارت وزارت داخله خواهد بود .
رئیس - گمان میکنم قسمت دومش رد شده باشد در قسمت اول توضیح بدهند یا سانی - اگر ما در موقع وضع قوانین ملاحظه بکنیم که بین قانون جدید و قوانینی که سابقاً وضع شد تناقضاتی ایجاد نشود در آن اشکالات برنمیخوریم .

سابق از آنجا که وقتی قانون وضع میکردند ملاحظه نمیکردند که با قانون قبل تناقض نداشته باشد غالباً در بین قوانین به تناقضاتی بر میخوریم مثلاً وقتی که کنترات مستخدمین امریکائی مطرح بود ملاحظه نکردند که چه موادش با قانون محاسبات عمومی متناقض است یا وقتی که قانون عدلیه را وضع میکردند ملاحظه نکردند که در قانون انجمن ایالتی حق استنباف قائل شده اند اینجا تناقضاتی است که حالا می فهمیم

الان هم تصدیق میکنیم و رأی میدهیم که بلدیة نظامنامه تهیه کند و این قانون اجرا کند در صورتیکه میدانیم بلدیة صورت قانونی ندارد .
 بلدیة وقتی گفته میشود اطلاق میشود بر دو شعبه .
 یک شعبه که انجمن بلدی است و به متابه قوه مقننه بلدی است که تعالیم و دستورات میدهد و نظامنامه مینویسد و یک شعبه دیگر که باسم اداره بلدی نامیده میشود و قوه اجرائیه بلدیة است .

این که عجلتاً تشکیل شده اداره بلدیة است منتهی انتخباتش مطابق آن قانون نشده یعنی اهالی شهر رأی نداده اند به انتخاب اعضاء انجمن بلدی تا از میان آنها رئیس و معاون و منشیهای بلدیة انتخاب شوند از این جهت بنده پیشنهاد کردم که ما اسم بلدیة را بلدیة موقتی بگذاریم برای اینکه بلدیة قانونی نداریم ولی وقتی که بطور مطلق گفتیم بلدیة شامل انجمن بلدی و قسمت اجرائیه اش هر دو میشود و وقتی گفتیم موقتی شامل اداره آنها میشود .

پلارد وزارت مالیه دخالت در امور بلدیة میکند و اگر قید شود در تحت نظر وزارت داخله اداره بشود دیگر وزارت مالیه حق دخالت ندارد و گمان میکنم موافق صریح قانون است که در تحت نظر وزارت داخله باید این قانون به موقع

پلارد وزارت مالیه دخالت در امور بلدیة میکند و اگر قید شود در تحت نظر وزارت داخله اداره بشود دیگر وزارت مالیه حق دخالت ندارد و گمان میکنم موافق صریح قانون است که در تحت نظر وزارت داخله باید این قانون به موقع

اجرا گذارده شود و وزارت مالیه هم نباید هیچ دخالت در آن بکند

آقای اسید یعقوب - بلی این قسمت صحیح است.

رئیس - رای میگیرم بقسمت اول این پیشنهاد.

آقایانی که قابل توجه می دانند قیام فرمایند.

(چند نفر قیام کردند)

رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهاد دیگری است از طرف آقای عماد السلطنه (پارنضمون خوانده شد)

ماده یازدهم بحدیته طهران در تحت نظر وزارت داخله مأمور تهیه نظامنامه و اجرای این قانون است

مخبر - رد شده است

رئیس - غیر رد نشده است آنکه رد شد این بود که وزارت داخله مأمور اجرای این قانون است. آقای عماد السلطنه (اجازه)

عماد السلطنه - توضیح مفصلی ندارم. بنده اینطور پیشنهاد کردم برای اینکه عقیده آقایانی را هم که مقصودشان این بود که وزارت داخله در نوشتن این نظامنامه نظر داشته باشد شامل شود

رئیس - رای می گیرم بقابل توجه بودنش. موافقین قابل توجه قیام فرمایند (اکثر نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه شد. ماده نهم قرائت میشود.

ماده نهم - مواد یک و سه چهار پنج هفت و هشت قانون پنجم ربيع الاول هزار سیصد و بیست و هشت نسخ مواد ۱۱ گانه این قانون بر قانون مزبور الحاق میشود.

رئیس - بصره هم کماکان باقی است رای میگیرم بماده بانصره آقایانیکه ماده نه را بر تریبی که قرائت شد بانصره تصویب مینمایند قیام فرمایند.

(اکثر نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد پیشنهاد آقای امیر اعلم (باین ترتیب خوانده شد) برای احتراز از آتیه از هر نوع سوء تفاهم و اختلاف نظر بین اداره بلدیه و مجلس حفظ الصحه دولتی که در سنوات اخیر تا اندازه ای امور آبله کوبی مجانی را که اهمیت آن لازم شرح نیست دچار اشکال نموده پیشنهاد میکنم که در آخرین لایحه بعنوان تبصره تذکره داده شود که قانون راجع بآبله کوبی و تقسیم سرم گلورد مصوبه سه شنبه پنجم شهر ذی قعدة الحرام ۱۳۲۸ شامل قانون جدید نواقض نیز خواهد بود.

مخبر - این صحیح است و بنده قبول میکنم که بکنسیون ارجاع شود با آن مواذیکه بکنسیون بزرگشته است بکمر تبه کنسیون نظریات خودش را به مجلسین ایزرت برده

رئیس - حذوق فرمایند از کبسیون هرايش رسیده قرائت میشود.

(آقای میرزا شهاب را بپورت مرخصی آقای نظام التولیه را بشرح آتی خواندند)

آقای نظام التولیه نماینده محترم ارش اندس چون بواسطه تأکیداتیکه متواتر از طرف دولت در تسریع حرکت منتخبین بر مرکز برای افتتاح مجلس بعمل میآید مناقصتاً رهسپار مرکز گردیده ...

یکتفاز نمایندگان - مناقصتاً یعنی چه؟ معنی ندارد

ملک التختار - مناقصتاً

آقای میرزا شهاب - مناقصتاً هسیار مرکز گردیده و بالطبع امورات شخصی ایشان دچار اختلال شده بود برای تنظیم و تسبیب امورات دو ماهه استجازه مرخصی کرده بودند کبسیون پس از مشاوره با کثرت تصویب مینماید که از روز حرکت غیبت ایشان با اجازه ثبت گردد

رئیس - آقایانیکه مفاد این راپورت را تصویب میکنند قیام فرمایند.

(اغلب برخاستند)

رئیس - تصویب شد. راپورت دیگر (بشرح ذیل قرائت شد)

آقای آقا سید محبی الدین نماینده محترم بواسطه کسالت و تصفیه امورات سه ماه استجازه مرخصی کرده بودند کبسیون پس از مشاوره بر این عقیده شد که از اظهار عقیده خودداری رد و قبول را موکول برای مجلس بدارد و بعد بنظر راپورت صادر نمود مجدداً آقای آقا سید محبی - الدین مصر شدند که کبسیون از قی و اثبات عقیده خودش را اظهار دارد. این است که تجدیدنظر نموده با کثرت دو ماه را تصویب مینماید که از روز حرکت غیبت ایشان با اجازه ثبت شود.

رئیس - آقای حائری زاده (اجازه)

حائری زاده - بنده با اظهار عقیده که کبسیون ابتدائاً کرده بود مخالف بودم حالاً عرضی ندارم

رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - بنده خواستم تقاضا کنم لایحه علام ضنعتی و تجارتي تمام شده و از طرف کبسیون هم تقدیم شده اگر دستور زیاد نشده است مقرر فرمایند شور دوم این لایحه هم چه دستور شود

رئیس - هنوز داده نشده.

(مجلس نیم ساعت بعد از ظهر ختم شد)

رئیس - مجلس شورای ملی مؤتمن الملك منشی - شهاب منشی - معظم السلطان

صورت مشروح مجلس بود پنجشنبه ۳۶ سنبله هزار و سیصد و سه مطابق هیجدهم صفر المظفر ۱۳۴۳

(مجلس سه ساعت قبل از ظهر بزیاست آقای مؤتمن الملك تشکیل گردید)

صورت مجلس یوم سه شنبه بیست و چهارم سنبله را آقای آقا میرزا شهاب الدین قرائت نمودند.

رئیس - آقای شیخ الراقین زاده (اجازه)

صنعتی ایران و آلمان از وزیر معارف سوالی شده بود استدعا میکنم مقرر فرمایند برای جلسه آتیه حاضر شوند و جواب بدهند و همچنین از وزارت فوائد عامه راجع به واکن های شهری

رئیس - آقای دامغانی (اجازه)

دامغانی - بنده هم در دستور می خواستم عرض کنم سوال از وزراء اجزو دستور قرار دهند.

رئیس - جلسه آتیه روز پنجشنبه دستور بقراری است که عرض میکنم: اول راپورت کبسیون قوانین مالیه راجع بماده پنجم الصاق تمبر به بلیط نمایشگاهها . ثانیاً راپورت کبسیون مبتکرات راجع پیشنهاد آقای داور نسبت بوظایف صنایع مستظرفه ثالثاً راپورت دیگر از کبسیون مبتکرات راجع به پیشنهاد آقای ضیاء الواعظین.

آقای سر کشیک زاده (اجازه)

سر کشیک زاده - بنده در تأیید اظهارات آقای دامغانی و آقای ضیاء الواعظین خواستم تقاضا کنم آقایان وزراء تذکری داده شود که تشریف بیاورند برای جواب سؤالات مخصوصاً متنی میکنم مجلس اجازه بدهد سوال از آقایان وزراء قبل از دخول در دستور باشد

رئیس - آقای تهرانی (اجازه)

شیرینمداد دامغانی - البته خاطر معلوم نمایندگان محترم از قضایای اخیریکه در طائف و مکه واقع شده مستحضر است تلگرافی میبکنند اهالی مکه و مسلمانانم از ایرانی و اهل مکه و غیره و استرخام میبکنند از عموم مسلمین دنیا از حملاتیکه و هایشما اینجا کرده اند همه میدانند که و هایشما بکمردمانی هستند که بکنست از صحراهای جزیره العرب را اشغال نموده معتقد به بیج دنیائی نیستند و بیغیر هر قومی را شیخ آن قوم میدانند در چند سال قبل هم به بین النهرین حمله کرده و خرابیهای زیادی وارد آورده اند و مخصوصاً باغابا متری که و مشاهد مندمه شدت کاملی دارن و تجدیداً بطائف حمله نموده و آنجا خراب کرده و قبران عباس را که در طائف بوده انست ویران نموده اند و این طایفه با کلبه ادیان طرف هستند و میگویند ان الفصایح و رنفع وان محمد آلا بضرولایفیع بابنکه هر یک قرآن را حرز خود و همراه دارند مهلدا معتقد بدیانت اسلام نیستند فقط معتقدند که شیخشان حکم بپیغمبر را دارد و شیخ هر قوم مثل پیغمبر آن قوم میباشد بنده خواستم بواسطه حملاتیکه باهل مکه و مسلمین کرده اند از نقطه نظر مدردری بنام مجلس اظهار تأسف کرده و بعضی آقایان برسانم که اینها تاچه حد تجاوز کرده اند

رئیس - ماده پنجم لایحه الصاق تمبر بلیط نمایشگاهها مطرح است.

حاج میرزا احمد التوخاب پیشنهادی تقدیم

کرده ام راجع باینکه اعتبار نامه دیوان بیکی جزء دستور شود بفرماید قرائت کنند رئیس کی همچو پیشنهادی دادید

حاج میرزا عبدالوهاب - الان دادم آوردند .

(بعضی از نمایندگان باشد برای بعد از نفس)

رئیس - ماده پنجم لایحه الصاق تمبر بلیط نمایشگاهها مطرح است . آقای شیروانی - عرضی ندارم .

رئیس - آقای داور (اجازه)

داور - بنده موافقم .

رئیس - آقای عطیعی (اجازه)

عطیعی - موافقم .

رئیس - کسی مخالف نیست .

رئیس - رأی گرفته میشود بماده پنجم .

شیروانی - قرائت شود .

رئیس - قرائت میشود . (بشرح آتی قرائت شد)

ماده ۵ - عایدات حق تمبر که بموجب این قانون مأخوذ میگردد به بلدیه محل تخصیص داده میشود .

رئیس - آقایانیکه این ماده را تصویب میکنند قیام فرمایند .

(اکثر نمایندگان برخاستند)

رئیس - تصویب شد در کلیات مخالفی نیست ؟

(گفتند - خیر)

رئیس - رأی گرفته میشود به کلیه لایحه که مشتمل بر پنج ماده است باورقمه آقایانیکه تصویب میکنند ورقه سفید والا ورقه کبود خواهند داد .

(اخذ و استخراج آراء بعمل آمده نتیجه بطریق ذیل حاصل گردید)

ورقه سفید ملاقت قبول (۸۲)

رئیس - عدد حاضر ۹۹ باشنداد سه رای تصویب شد راپورت کبسیون مبتکرات راجع بطرح پیشنهادی آقای داور نسبت بوظایف اداره صنایع مستظرفه مطرح است

آقای سالار لشکر (اجازه)

سالار لشکر - این لایحه پیشنهادی جمعی از آقایان بعقیده بنده دارای سه جنبه است یک جنبه تشویقی . یک جنبه اداری و یک جنبه معارجمی . البته آنچه راجع به تشویق است هیچ مخالفتی در آن نمی شود که باید یک شخصی میرز در صنایع مستظرفه را تشویق کرد برای اینکه نسبت بکارش دلگرم باشد و مجلس می تواند بوسیله پیشنهاد وزارت خانه یک حقوق اضافی در باره آن تصویب نمایند یا بشانی بدهد یا میکن است مجلس از ایشان اظهار تشکر کند ولی آنچه که راجع باصول اداری است از این

حیث بنده کاملاً مخالفم؛ اصول اداری ممتاز مخراب کردن سایر وزارت خانه ها نیست اداره صنایع مستظرفه جزء وزارت معارف است بنا بر این اگر در تحت نظر وزارت معارف باشد دیگر احتیاج بمعاون ندارد معاون لزومی ندارد در خود وزارت معارف بعد از وزیر مدیر کل است و در اینجانبند وجود معاون عقیده ندارم و باید یک نفر بعنوان مدیر صنایع مستظرفه باشد و این را هم تصدیق میکنم که در مملکت ایران آقای کمال الملك مبتکر صنایع مستظرفه هستند و در این راه خدمت کرده اند و عموم هم از ایشان تشکر دارند ولی هنوز از حوزه طهران به خارج تجاوز نکرده و یک توسعه بداند کرده در اینجا هم منحصر است یک اطاق و چند تابلو و چند مجسمه حجاری شده و خیلی هم زحمت کشیده اند

نجات - چیزهای دیگر هم هست .

سالار لشکر - و از آن طرف هم وسیله توسعه آن هنوز فراهم نیست؛

نهادنم آقایان مواد این راپورت را ملاحظه فرموده اند یا نه؟ در هر صورت بنده متوجه میکنم آقایان را بواد این که خیلی زیاده از حد راجع بنوع صنایع عموم نمند اگر میشود از قبیل شورای عالی صنعتی این مر و بوط صنایع مستظرفه نباشد صنایع نامحدود است و اگر یک همچو لایحه در مجلس تصویب شود گمان میکنم که وظایف یکی دو وزارتخانه از بین میرود مثلاً وزارت فوائد عامه و وزارت معارف باید ادارت خود را تحویل اداره صنایع مستظرفه بدهند در این پیشنهاد یک ماده دارد در خصوص رنگ ریزی که راجع بوزارت فوائد عامه است و از آن گذشته این داپورت راجع بکلیه صنایع است در صورتیکه صنایع مستظرفه همان مواد پنجگانه است مانند حجاری و نقاشی و غیره بنا بر این خوب است آقایان محترم یک تغییری در لایحه بدهند و آنرا محدود کنند بصنایع مستظرفه و آنوقت یک ترتیب محدود تری بآقای کمال الملك واگذار نمایند که اسباب اختلال سایر وزارت خانهها هم نشود .

رئیس - آقای حاج عز المالك (اجازه)

حاج عز المالك - بنده این پیشنهاد آقایان نمایندگان را یکی از پیشنهادهای خوب و قدیمه می بینم برای ترقی صنایع مستظرفه ایران میدانم و همین جهت باین راپورت موافق هستم و خوب است آقایان نمایندگان محترم امروز بقابل توجه بودن این پیشنهاد رأی بدهند و امید وارم راجع بصنایع مستظرفه در آتیه یک قدم های مهمتری

برداریم جنبه تشویق که شاهزاده فرمودند خودش یک جنبه مهمی است که هنوز در مملکت تسویه به این جنبه نشده است فقط گفته میشود تشویق و هیچ کاری هم نسبت باین موضوع انجام داده نمیشود فقط تشویق رامیکوئیم و از پشت میز میرویم .

جنبه تشویق این است که مجلس شورای ملی در این موضوع یک قوانینی وضع نماید و نسبت باغصاح که بملکت خدمت کرده اند تشویق نماید و اگر چه پیشنهاد آقایان پیشنهاد شخصی نیست و یک موضوع اساسی است ولی بنده بی ضرر میدانم که نسبت شخصی هم صحبت کنیم؛

آقای کمال الملك کسی است که نسبت به هم خودش خدمات مهمی بملکت کرده است حضرت والا مخالف نبودند که بنده بخوام راجع بمخالفات ایشان دفاع کنم ولی برای تشویق آقایانیکه این پیشنهاد را امضاء کرده اند و متأسفانه بنده هم نبودم که امضاء کنم حقیقه موافق هستم و خیلی خوشوقت هستم از اینکه آقایان در این باب پیش قدم شده اند بنده عرض میکنم بپوهانی که در این مملکت مصرف میشود کم و بیش منافع دارد ولی یک پولی که اگر مصرف میشود و منافع آن بیشتر از چیزی است که باید انتظار داشته باشیم آن پولی است که برای صنایع مستظرفه خرج میشود آقایان به بودجه صنایع مستظرفه نگاه کنند و به بنده آنوقت تصدیق میکنند که ما هر قدر در این باب تشویق کنیم جای دوری نرفته است صنعت نقاشی یک صنعتی است که واقعا وجود مؤسس آن اسباب اختراع ایران است.

و اگر خودش تنها بود من چیزی نمیگفتم یک کسی است که خدا همچو دستی باو داده است و تقدیس میکردم ولی ایشان زحمت کشیده و نتیجه آن علم را ب مردم آموخته و الان شاگردانی هستند که هر کدام میتوانند بملکت یک خدمتهائی کنند در این قسمت که مربوطه بخود من هم هست و بنده یکی از شاگردان ایشان هستم چیزی عرض نمیکنم ولی در قسمت مطرح مذاکره قرارداد و با تفاق آراء قابل توجه دانسته فوریت آنرا اظهار و تقاضا مینماید که بکنسیون معارف ارجاع شود .

رئیس - مخالفی ندارد ؟ (گفتند خیر)

رای گرفته میشود بقابل توجه بودن این طرح آقایانیکه این طرح را قابل توجه میدانند قیام نمایند .

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه شد .

راپورت کبسیون تجدید نظر در نظامنامه داخلی قرائت میشود .

معارف و کبسیون هم البته آقای وزیر معارف را خواهد خواست و با ایشان مذاکره نموده و جنبه علمی و معارجمی آن را یک طوری مرتب مینمایند و بنده بخاطر دارم که آقای داور از آقای وزیر معارف راجع بهمین موضوع سوال کردند و ایشان جواب دادند که یک لایحه در همین زمینه تهیه کرده ایم و تقدیم مجلس میکنم ولی بناوردند و چون بناوردند آقایان نمایندگان سبقت کردند و این لایحه را ب مجلس تقدیم نمودند البته پس از آنکه قابل توجه شد میروند بکنسیون مربوطه در جنبه معارجمی آن هم نظر خواهند نمود و اگر یک نسبت شخصی هم صحبت کنیم؛

آقای کمال الملك کسی است که نسبت به هم خودش خدمات مهمی بملکت کرده است حضرت والا مخالف نبودند که بنده بخوام راجع بمخالفات ایشان دفاع کنم ولی برای تشویق آقایانیکه این پیشنهاد را امضاء کرده اند و متأسفانه بنده هم نبودم که امضاء کنم حقیقه موافق هستم و خیلی خوشوقت هستم از اینکه آقایان در این باب پیش قدم شده اند بنده عرض میکنم بپوهانی که در این مملکت مصرف میشود کم و بیش منافع دارد ولی یک پولی که اگر مصرف میشود و منافع آن بیشتر از چیزی است که باید انتظار داشته باشیم آن پولی است که برای صنایع مستظرفه خرج میشود آقایان به بودجه صنایع مستظرفه نگاه کنند و به بنده آنوقت تصدیق میکنند که ما هر قدر در این باب تشویق کنیم جای دوری نرفته است صنعت نقاشی یک صنعتی است که واقعا وجود مؤسس آن اسباب اختراع ایران است.

و اگر خودش تنها بود من چیزی نمیگفتم یک کسی است که خدا همچو دستی باو داده است و تقدیس میکردم ولی ایشان زحمت کشیده و نتیجه آن علم را ب مردم آموخته و الان شاگردانی هستند که هر کدام میتوانند بملکت یک خدمتهائی کنند در این قسمت که مربوطه بخود من هم هست و بنده یکی از شاگردان ایشان هستم چیزی عرض نمیکنم ولی در قسمت مطرح مذاکره قرارداد و با تفاق آراء قابل توجه دانسته فوریت آنرا اظهار و تقاضا مینماید که بکنسیون معارف ارجاع شود .

رئیس - مخالفی ندارد ؟ (گفتند خیر)

رای گرفته میشود بقابل توجه بودن این طرح آقایانیکه این طرح را قابل توجه میدانند قیام نمایند .

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه شد .

راپورت کبسیون تجدید نظر در نظامنامه داخلی قرائت میشود .

معارف و کبسیون هم البته آقای وزیر معارف را خواهد خواست و با ایشان مذاکره نموده و جنبه علمی و معارجمی آن را یک طوری مرتب مینمایند و بنده بخاطر دارم که آقای داور از آقای وزیر معارف راجع بهمین موضوع سوال کردند و ایشان جواب دادند که یک لایحه در همین زمینه تهیه کرده ایم و تقدیم مجلس میکنم ولی بناوردند و چون بناوردند آقایان نمایندگان سبقت کردند و این لایحه را ب مجلس تقدیم نمودند البته پس از آنکه قابل توجه شد میروند بکنسیون مربوطه در جنبه معارجمی آن هم نظر خواهند نمود و اگر یک نسبت شخصی هم صحبت کنیم؛

آقای کمال الملك کسی است که نسبت به هم خودش خدمات مهمی بملکت کرده است حضرت والا مخالف نبودند که بنده بخوام راجع بمخالفات ایشان دفاع کنم ولی برای تشویق آقایانیکه این پیشنهاد را امضاء کرده اند و متأسفانه بنده هم نبودم که امضاء کنم حقیقه موافق هستم و خیلی خوشوقت هستم از اینکه آقایان در این باب پیش قدم شده اند بنده عرض میکنم بپوهانی که در این مملکت مصرف میشود کم و بیش منافع دارد ولی یک پولی که اگر مصرف میشود و منافع آن بیشتر از چیزی است که باید انتظار داشته باشیم آن پولی است که برای صنایع مستظرفه خرج میشود آقایان به بودجه صنایع مستظرفه نگاه کنند و به بنده آنوقت تصدیق میکنند که ما هر قدر در این باب تشویق کنیم جای دوری نرفته است صنعت نقاشی یک صنعتی است که واقعا وجود مؤسس آن اسباب اختراع ایران است.

و اگر خودش تنها بود من چیزی نمیگفتم یک کسی است که خدا همچو دستی باو داده است و تقدیس میکردم ولی ایشان زحمت کشیده و نتیجه آن علم را ب مردم آموخته و الان شاگردانی هستند که هر کدام میتوانند بملکت یک خدمتهائی کنند در این قسمت که مربوطه بخود من هم هست و بنده یکی از شاگردان ایشان هستم چیزی عرض نمیکنم ولی در قسمت مطرح مذاکره قرارداد و با تفاق آراء قابل توجه دانسته فوریت آنرا اظهار و تقاضا مینماید که بکنسیون معارف ارجاع شود .

رئیس - مخالفی ندارد ؟ (گفتند خیر)

رای گرفته میشود بقابل توجه بودن این طرح آقایانیکه این طرح را قابل توجه میدانند قیام نمایند .

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه شد .

راپورت کبسیون تجدید نظر در نظامنامه داخلی قرائت میشود .

معارف و کبسیون هم البته آقای وزیر معارف را خواهد خواست و با ایشان مذاکره نموده و جنبه علمی و معارجمی آن را یک طوری مرتب مینمایند و بنده بخاطر دارم که آقای داور از آقای وزیر معارف راجع بهمین موضوع سوال کردند و ایشان جواب دادند که یک لایحه در همین زمینه تهیه کرده ایم و تقدیم مجلس میکنم ولی بناوردند و چون بناوردند آقایان نمایندگان سبقت کردند و این لایحه را ب مجلس تقدیم نمودند البته پس از آنکه قابل توجه شد میروند بکنسیون مربوطه در جنبه معارجمی آن هم نظر خواهند نمود و اگر یک نسبت شخصی هم صحبت کنیم؛

آقای کمال الملك کسی است که نسبت به هم خودش خدمات مهمی بملکت کرده است حضرت والا مخالف نبودند که بنده بخوام راجع بمخالفات ایشان دفاع کنم ولی برای تشویق آقایانیکه این پیشنهاد را امضاء کرده اند و متأسفانه بنده هم نبودم که امضاء کنم حقیقه موافق هستم و خیلی خوشوقت هستم از اینکه آقایان در این باب پیش قدم شده اند بنده عرض میکنم بپوهانی که در این مملکت مصرف میشود کم و بیش منافع دارد ولی یک پولی که اگر مصرف میشود و منافع آن بیشتر از چیزی است که باید انتظار داشته باشیم آن پولی است که برای صنایع مستظرفه خرج میشود آقایان به بودجه صنایع مستظرفه نگاه کنند و به بنده آنوقت تصدیق میکنند که ما هر قدر در این باب تشویق کنیم جای دوری نرفته است صنعت نقاشی یک صنعتی است که واقعا وجود مؤسس آن اسباب اختراع ایران است.

و اگر خودش تنها بود من چیزی نمیگفتم یک کسی است که خدا همچو دستی باو داده است و تقدیس میکردم ولی ایشان زحمت کشیده و نتیجه آن علم را ب مردم آموخته و الان شاگردانی هستند که هر کدام میتوانند بملکت یک خدمتهائی کنند در این قسمت که مربوطه بخود من هم هست و بنده یکی از شاگردان ایشان هستم چیزی عرض نمیکنم ولی در قسمت مطرح مذاکره قرارداد و با تفاق آراء قابل توجه دانسته فوریت آنرا اظهار و تقاضا مینماید که بکنسیون معارف ارجاع شود .

رئیس - مخالفی ندارد ؟ (گفتند خیر)

رای گرفته میشود بقابل توجه بودن این طرح آقایانیکه این طرح را قابل توجه میدانند قیام نمایند .

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه شد .

راپورت کبسیون تجدید نظر در نظامنامه داخلی قرائت میشود .

کمیسیون تجدید نظر در نظامنامه داخلی مجلس شورای ملی پیشنهاد ماده الحاقیه نظامنامه داخلی را تحت شور قرار داده و با جلب توجه آقایان نمایندگان محترم بتکالیفات ذیل پیشنهاد می نماید که همان ماده (۱۲۰) نظامنامه داخلی اصلاح گردد:

اولاً- ممکن است یک نفر نماینده در یک ماهه بچهار مرتبه در جلسه متوالی غایب بوده و در هر ماه پنج جلسه از هشت جلسه که حد متوسط جلسات کمیسیون ها است حاضر نشود.

ثانیاً- اگر یک نفر نماینده در طی یک ماه پنج جلسه از هشت جلسه ماهیانه را متوالی غایب نماید مطابق ماده پیشنهادی آقایان نمایندگان از عضویت مستغفی خواهد بود در نتیجه ماهیانه بیشتر از سه جلسه کمیسیون ها تشکیل نشده و باز کارها معوق خواهد ماند.

ثالثاً- در ماده الحاقیه پیشنهادی آقایان راجع غیبت از شعب چیزی بیش بینی نشده بود.

رابعاً- ممکن است آقایان اعضاء کمیسیون ها یا شعب در روزهای معینه حضور بهم رسانند ولی بقدری از ساعات مقرر تاخیر نمایند که موجب عدم تکمیل عده و تشکیل رسمی کمیسیون یا شعبه شود و مقتضی است مانند جلسات علنی مجلس برای جلوگیری از دیر آمدن و تاخیر از حضور در کمیسیونها نیز ترتیبی در نظر گرفته شود.

کمیسیون تجدید نظر در نظامنامه داخلی معتقد بود که عدم حضور در کمیسیونها و شعب از نقطه نظر وظایف پارلمانی بی اغماض در مجلس شورای ملی تفاوت نخواهد داشت و هرگاه فرض کنیم یک نفر نماینده در یک روز ناگزیر از حضور در دو کمیسیون اقله مساوی خواهد بود یا غیبت در یک جلسه علنی.

با در نظر گرفتن مراتب مذکور فوق کمیسیون مواد نظامنامه داخلی که فعلاً در دست اجراء است مراجعه نموده و ملاحظه گردید که مفاد ماده الحاقیه پیشنهادی جمعی از آقایان نمایندگان محترم و نظریات کمیسیون با قسمت سوم از ماده یک مد ویسستم نظامنامه داخلی اصطکاک خواهد نمود.

بنابراین کمیسیون با مراجعه بساده (۱۳۳) نظامنامه داخلی مودنه دوره چهارم که فعلاً مورد تجدید نظر است پیشنهاد می نماید که جمله:

(و نیز آنهاییکه در سه جلسه متوالی یا شش مرتبه در ظرف سی روز در کمیسیونها یا شعبات بدون عذر موجه حاضر نشوند)

از ماده یک صد و بیست حذف و قسمت سوم ماده مزبور بعزیم ذیل اصلاح و منظور حقیقی آقایان پیشنهاد کنندگان بعمل آید.

نمایندگان گانی که در سه جلسه متوالی یا شش مرتبه در ظرف سی روز در موقع دادن رای مطالبی که جزو دستور اجلسات است بدون عذر موجه حاضر نیاشند بمنزله کسانی هستند که بعد همان جلسات بدون عذر موجه غیبت کرده اند و نمایندگان که در جلسات مقرر شده و کمیسیون تاخیر نمایند نسبت به هر یک ساعت تاخیر ضمن مقرری آنها کسر خواهد گردید علاوه بر یک از اعضاء کمیسیونها که در دو جلسه متوالی و یا در چهار جلسه متوالی در یک ماه بکمیسیون حاضر نشوند از عضویت مستغفی خواهند بود.

رئیس- این شورای اول است باید در شور شود.

حاضرین: آقا سید یعقوب - آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - بنده در اساس این مسئله کاملاً موافقم لیکن در بعضی قسمتهای آن مخالفم و آقایانیکه بیشتر در مجلس هستند و اتکاء خودشان را بجایس قرار دادماند میدانند که کمتر اشخاصی هستند که در کمیسیونها حاضر نشوند یعنی تراضی میکنند و بنده معتقدم که در تشکیل جلسه علنی و کمیسیونها و شعب نباید تاخیر شود و این مجازاتی را که معین کرده اند بعقیده بنده خیلی کم است و اشکال بنده این است که در این لایحه نوشته شده است عذر موجه و دیگر معین نکرده است که عذر موجه چیست است و مناط عذر موجه چیست و یک نماینده که میگوید عذر من موجه است مناط اعتبار آن چیست فرض بفرمایند که یک وکیل یکروز در کمیسیون حاضر نشده گفت عذر موجه دارم.

کمیسیون باید قبول کند برای اینکه رأیی که وکیل در مجلس میدهد مناط اعتبار است و رأی قطعی است بنابراین اظهار اینکه عذر من موجه است آنرا هم باید قبول کرد ولی اینجا معین نکرده است که مناط عذر موجه چیست است آیا مناط قبول کردن اکثریت کمیسیون است یا عذر موجه این است که بگوید مریض هستم و تصدیق دکتر را بیاورد غرض این است که در بیان معنای عذر موجه یک توضیحی داده شود که معلوم شود عذر

موجه چیست ؟ دیگر اینکه می نویسند هر یک از اعضاء کمیسیونها که در دو جلسه متوالی و یا در چهار جلسه متوالی در مدت یکماه در کمیسیون حاضر نشوند از عضویت مستغفی خواهند بود. آیا یک چنین نماینده در موقعی که تجدید انتخاب میشود حق انتخاب شدن را دارد یا نه بعقیده بنده بعد از اعلان این قانون دیگر حق انتخاب شدن ندارد مسئله دیگر موضوع زنک است زنک که زده می شود تا شاخچه های آبی نمانند نشینند و ماها هم می آیم می نشینیم و هر چه پیش خدمت فریاد میزند آقایان تشریف بیاورید نماینده قدیده بنده این است که کمیسیون در این موضوع هم یک ترتیبی در نظر بگیرد که بعد از زنک دوم نمایندگان که در اطاق گشودن می کنند بمجلس تشریف بیاورند و اهمیت این مسئله خیلی زیاد است برای اینکه غالب مسائل مهمه بواسطه نماندن آقایان یا رأی ندادن یا تاخیر می افتد و حالا که میخواهیم کمیسیونها و شعبات مرتب شود جلسات مجلس را هم مرتب کنیم تا حقیقتاً قدهای انتظامی برادریم علاوه باید دائره عذر موجه چیست دیگر اینکه در اینجا نوشته است مستغفی خواهد بود آیا چنین نماینده پس از این قانون بعد از اشد ماه آیا میتواند انتخاب بشود یا نه این بود نظریات بنده که عرض کردم

شیروانی معجز کمیسیون- اساساً آقای آقا سید یعقوب موافق با اصل پیشنهاد کمیسیون هستند و فقط بکندری لایحه را ناقص میدانستند تصور میکنم اینطور نباشد عذر موجه را نمی شود بیش بینی کرد یعنی یک نماینده ناخوش شده یا فرضاً چشمش درد گرفت و یا اینکه یکی از اقوامش هروسی داشت اینها را نمیشود بیش بینی کرد عذر موجه یک چیزهایی است که برای یک نماینده پیش می آید و او را از حضور معذور میدارد در نظامنامه قدیم هم یک جمله هست که تشخیص آن با اداره مباشرت است یعنی نماینده عذر خود را مینویسد مباشرت هم در این باب تحقیقاتی میکنند و قبول میکنند و تصور نمیکند غیر از این راهی داشته باشد زیرا عذر موجه را نمیشود بیش بینی کرد و معذور کرد اما راجع بمستغفی شدن یعنی استعفا میدهد مفصل که نمیشود و البته کسی که استفاداده دوم مرتبه ممکن است که انتخاب بشود.

رئیس- آقای اشکر (اجازه)

اشکر- موافقم.

رئیس- آقای وکیل الملک (اجازه)

وکیل الملک - موافقم.

رئیس- شاهزاده شیخ الرئیس (اجازه)

شیخ الرئیس- موافقم.

رئیس- آقای عدل الملک (اجازه)

عدل الملک موافقم.

رئیس- آقای سهام السلطان (اجازه)

(حاضر نبودند)

رئیس- آقای کازرونی (اجازه)

کازرونی- عرضی ندارم

رئیس- آقای دست غیب (اجازه)

دست غیب - موافقم.

رئیس- آقای رئیس التجار (اجازه)

رئیس التجار عرضی ندارم

رئیس- آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - این توضیحی که آقای معجز فرمودند خیلی غریب است عبارت اینطور دارد - علاوه هر یک از اعضای کمیسیونها که در دو جلسه متوالی و یا در چهار جلسه متوالی در یکماه در کمیسیون حاضر نشوند از عضویت مستغفی خواهند بود. مستغفی یعنی منفصل است این اشخاص منفصل اند قانون آنها را منفصل میکند نه بعیل خودشان

اما اینکه راجع بزنگ فرمودند آن هم از این موضوع خارج است ممکن است یک پیشنهاد دیگری بکنند تا در آن باب هم کمیسیون مذاکره بکند و عقیده اش اظهار کند.

رئیس- آقای اشکر (اجازه)

اشکر- موافقم.

رئیس- آقای وکیل الملک (اجازه)

وکیل الملک - موافقم.

رئیس- شاهزاده شیخ الرئیس (اجازه)

شیخ الرئیس- موافقم.

رئیس- آقای عدل الملک (اجازه)

عدل الملک موافقم.

رئیس- آقای سهام السلطان (اجازه)

(حاضر نبودند)

رئیس- آقای کازرونی (اجازه)

کازرونی- عرضی ندارم

رئیس- آقای دست غیب (اجازه)

دست غیب - موافقم.

رئیس- آقای رئیس التجار (اجازه)

رئیس التجار عرضی ندارم

رئیس- آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - این توضیحی که آقای معجز فرمودند خیلی غریب است عبارت اینطور دارد - علاوه هر یک از اعضای کمیسیونها که در دو جلسه متوالی و یا در چهار جلسه متوالی در یکماه در کمیسیون حاضر نشوند از عضویت مستغفی خواهند بود. مستغفی یعنی منفصل است این اشخاص منفصل اند قانون آنها را منفصل میکند نه بعیل خودشان

از حق انتخاب معزوم خواهد بود پیش نهادم میدهم.

رئیس - آقای تدین موافقتند؟

رئیس- آقای اشکر (اجازه)

اشکر - اولاً این مطلب هیچ محتاج توضیح و تفسیر نیست که حتی القدر میبایستی یک وسیله مؤثری بکار برده شود که آقایان اعضاء کمیسیونها و شعب در موقع بکار حاضر شوند و از این عمل که حضور آقایان باشد نتیجه حاصل شود حاضر شدن را بپوشانند و در نتیجه مسامحه در کارهای کمیسیونها منجر بتعطیل جلسات علنی مجلس نشود:

گمان نمیکند هیچکدام از آقایان مخالف باشند باینکه یک اقدام مؤثری در این موضوع باید کرد البته اگر بنا بشود یک پیش بینی هایی برای جلوگیری از دیر آمدن و غیبت آقایان نمایندگان در کمیسیونها و شعبه نشود در نتیجه جلسات علنی مجلس هم تعطیل میشود و کارهای مجلس نمگذرد و مجلس در خارج مورد تنقید واقع میشود اینکه آقای آقا سید یعقوب فرمودند که چه گونه ممکن است عذر موجه را ملتفت شد البته باید تصدیق کرد همانطوری که وکیل رای میدهد و رأی او قانون است قائدها هم باید قوش خیلی درست باشد و البته همین طور هم هست اگر یک وکیل ناخوش شد و نوشت بکمیسیون من ناخوشم بدیهی است دروغ نمیکویند.

ولی عذر غیر موجه را چه طور میشود تشخیص داد فرض بفرمایند بنده دیر آمدم بکمیسیون دو ساعت میگویند چرا دیر آمدی میگویم بنده سر موقع حرکت کردم بیرون گرفتاری پیش آمد گرفتاری که مثلاً با فلان آقا مذاکراتی بوده است دیر آمدم البته باید جریمه بدیم یا اینکه فرض کنید میگویم فراموش کردم البته این عذر غیر موجه است بجهت اینکه البته یک نماینده باید یک کتابچه یادداشت داشته باشد که مواقع کارش را یادداشت کند که فراموش نکند و اگر فراموش کرد تقصیر خودش است بنا بر این غیر موجه است و باید جریمه بدهد همینطور ممکن است خیلی عذرهای غیر موجه پیدا شود بهر جهت آن طوری که آقای آقا سید یعقوب فرمودند که باید دگر بیایند ببینند که آیا وکیل ناخوش بوده است اینطور و باین اشکالات نیست ما اینکه فرمودند اینجا کلمه مستغفی دال بر این است که بعد از حق انتخاب ندارد اینطور نیست مستغفی یعنی کسی که استعفاش از آن کار داده شده است ولی معنای این را ندارد که از انتخاب معزوم است اگر مقصود کمیسیون این بود که از حق انتخاب

ولی عذر غیر موجه را چه طور میشود تشخیص داد فرض بفرمایند بنده دیر آمدم بکمیسیون دو ساعت میگویند چرا دیر آمدی میگویم بنده سر موقع حرکت کردم بیرون گرفتاری پیش آمد گرفتاری که مثلاً با فلان آقا مذاکراتی بوده است دیر آمدم البته باید جریمه بدیم یا اینکه فرض کنید میگویم فراموش کردم البته این عذر غیر موجه است بجهت اینکه البته یک نماینده باید یک کتابچه یادداشت داشته باشد که مواقع کارش را یادداشت کند که فراموش نکند و اگر فراموش کرد تقصیر خودش است بنا بر این غیر موجه است و باید جریمه بدهد همینطور ممکن است خیلی عذرهای غیر موجه پیدا شود بهر جهت آن طوری که آقای آقا سید یعقوب فرمودند که باید دگر بیایند ببینند که آیا وکیل ناخوش بوده است اینطور و باین اشکالات نیست ما اینکه فرمودند اینجا کلمه مستغفی دال بر این است که بعد از حق انتخاب ندارد اینطور نیست مستغفی یعنی کسی که استعفاش از آن کار داده شده است ولی معنای این را ندارد که از انتخاب معزوم است اگر مقصود کمیسیون این بود که از حق انتخاب

میشود تشخیص داد فرض بفرمایند بنده دیر آمدم بکمیسیون دو ساعت میگویند چرا دیر آمدی میگویم بنده سر موقع حرکت کردم بیرون گرفتاری پیش آمد گرفتاری که مثلاً با فلان آقا مذاکراتی بوده است دیر آمدم البته باید جریمه بدیم یا اینکه فرض کنید میگویم فراموش کردم البته این عذر غیر موجه است بجهت اینکه البته یک نماینده باید یک کتابچه یادداشت داشته باشد که مواقع کارش را یادداشت کند که فراموش نکند و اگر فراموش کرد تقصیر خودش است بنا بر این غیر موجه است و باید جریمه بدهد همینطور ممکن است خیلی عذرهای غیر موجه پیدا شود بهر جهت آن طوری که آقای آقا سید یعقوب فرمودند که باید دگر بیایند ببینند که آیا وکیل ناخوش بوده است اینطور و باین اشکالات نیست ما اینکه فرمودند اینجا کلمه مستغفی دال بر این است که بعد از حق انتخاب ندارد اینطور نیست مستغفی یعنی کسی که استعفاش از آن کار داده شده است ولی معنای این را ندارد که از انتخاب معزوم است اگر مقصود کمیسیون این بود که از حق انتخاب

رئیس- آقای تدین (اجازه)

تدین - بنظر بنده چندین اشکال بر این لایحه پیشنهادی وارد است کمیسیون وارد است اولاً اجازه می خواهم ماده صد و بیستم نظامنامه قسمت اولش را بقوانم که اینجا ذکر از آن نشده و فقط قسمت آخرش اینجا اشاره شده است.

ماده صد و بیست اشخاصی که بدون عذر موجه غایب میشوند و غایبین بدون اجازه هستند در هر جلسه از جلسات رسمی مجلس مثلاً جلسه امروز اگر چند نفر از آقایان یا یک نفر غایب بدون اجازه باشند بدون عذر موجه از مقرری امروزشان معزوم اند این یک

معزوم باشد این جمله را بجای مستغفی قید میکرد مستغفی معنایش این نیست که برای آن به از حق انتخاب معزوم است کسیکه از یک کمیسیون مستغفی میشود تا تجدید انتخاب نشود مستغفی است این معنای انفصال دائم را ندارد و بهین دلیل هم حق انتخاب دارد برای اینکه انتخاب یک وکیل برای یک کمیسیون باید یک شبهه حاصله اکثریت آراء نمایندگان است و همانطوری که تصدیق میفرمایند که رأی اکثریت آقایان نمایندگان یک عبارتی سمت قانونیت میدهد البته انتخاب یک نماینده هم بمضویت یک کمیسیون سمت رسمیت میدهد اگر یک نماینده بعد از آنکه مستغفی شد از یک کمیسیون مجدداً با اکثریت آراء انتخاب شود یا سمت قانونی که اکثریت آراء دارد و دوباره ممکن است بهمان کمیسیون برود و نتیجه که از این استعفاء آقایان که این پیشنهاد را کرده اند میخوانند بگیرند این است که شاید بعضی از آقایان نمایندگان راجع بجرایم اهمیتیه ندهند مثلاً ممکن است در فلان کمیسیون یک نفر دو ساعت دیر آمد پنجقران جریمه میدهد چون این راهمیت نمیدهد شاید بقدری تکرار شود که اکثریت اعضاء کمیسیون هیچوقت حاضر نباشند برای کار و در نتیجه کار معوق بماند ولی موضوع مستغفی شدن چون اهمیت دارد و بر می خورد بیک نفری که مستغفی شود از کمیسیون و مورد توجه آقایان خواهد بود البته برای این که اینطور نشود مرتب در کمیسیونها حاضر میشوند و مسائل زودتر انجام گرفته و کارها زودتر تمام میشود و اسباب زحمت مجلس و مردم فراهم نمیشود.

اینکه فرمودند دیر آمدن و کلا رادر جلسه علنی خوب بود جزء این موضوع قرار میدادند این یک مسئله حل نموده است خوب است یک پیشنهاد های بعد بکنند مذاکره خواهد شد با آن مورد هم بنده موافق خواهم بود.

رئیس- آقای تدین (اجازه)

تدین - بنظر بنده چندین اشکال بر این لایحه پیشنهادی وارد است کمیسیون وارد است اولاً اجازه می خواهم ماده صد و بیستم نظامنامه قسمت اولش را بقوانم که اینجا ذکر از آن نشده و فقط قسمت آخرش اینجا اشاره شده است.

ماده صد و بیست اشخاصی که بدون عذر موجه غایب میشوند و غایبین بدون اجازه هستند در هر جلسه از جلسات رسمی مجلس مثلاً جلسه امروز اگر چند نفر از آقایان یا یک نفر غایب بدون اجازه باشند بدون عذر موجه از مقرری امروزشان معزوم اند این یک

ماده صد و بیست اشخاصی که بدون عذر موجه غایب میشوند و غایبین بدون اجازه هستند در هر جلسه از جلسات رسمی مجلس مثلاً جلسه امروز اگر چند نفر از آقایان یا یک نفر غایب بدون اجازه باشند بدون عذر موجه از مقرری امروزشان معزوم اند این یک

رئیس- آقای تدین (اجازه)

تدین - بنظر بنده چندین اشکال بر این لایحه پیشنهادی وارد است کمیسیون وارد است اولاً اجازه می خواهم ماده صد و بیستم نظامنامه قسمت اولش را بقوانم که اینجا ذکر از آن نشده و فقط قسمت آخرش اینجا اشاره شده است.

ماده صد و بیست اشخاصی که بدون عذر موجه غایب میشوند و غایبین بدون اجازه هستند در هر جلسه از جلسات رسمی مجلس مثلاً جلسه امروز اگر چند نفر از آقایان یا یک نفر غایب بدون اجازه باشند بدون عذر موجه از مقرری امروزشان معزوم اند این یک

جلسه تمام بده میگوید اشخاصی که در سه جلسه متوالی یا جلسه مرتبه در ظرف سی روز بدون عذر موجه نیم ساعت از موعد مقرری تغلف می کنند به منزله آنهاست هستند که بگروز غیبت قید موجه کرده باشند.

اینهم صحیح است سه جلسه متوالی در هر جلسه نیم ساعت دیر آمده بدون عذر موجه سه نیم ساعت میشود یک ساعت ونیم تقریباً بنزله مدت یک جلسه رسمی گرفته شده است و این هم بنزله کسی است که بگروز بدون اجازه غیبت کرده است.

قسمت دیگر که مجلس بحث است این است: نمایندگان گانی که در سه جلسه متوالی یا شش مرتبه در ظرف سی روز در موقع دادن رای در مطالبی که جزو دستور آن جلسات است بدون عذر موجه حاضر نباشند و نیز آنهاست که در سه جلسه متوالی یا شش مرتبه در ظرف سی روز در کمیسیونها یا شعبات بدون عذر موجه حاضر نشوند بنزله کسانی هستند که بعد همان جلسات بدون عذر موجه غیبت کرده اند در سه جلسه متوالی فرض بفرمایند یکی امروز در موقع دادن رای یک در رأی و یکی غایب شد.

رئیس- این قسمت مطرح نیست تقدین - خوب بنده چون تفهیمده ام باید جواب بنده را بدهند.

رئیس- قسمت دوم است تقدین - قسمت دوم همین است که دست بنده است تجزیه شده است بدو جزء مخیر - جز عذر مطرح است تقدین - علی ای حال مورد بحث اگر نبود لازم نبود اینجا باشد در آن هم ایراد دارم در هر جلسه یک رأی معنایش این است که در موقع سه رأی در سه جلسه متوالی غایب بوده.

مخیر - اینطور نیست تقدین - حالا نیست نباشد ولی حق این بود که شا اینرا هم جزو قرار بدهید حالا آمده اید اینطور نوشته اید (و نمایندگانی که در جلسات مقرر شده و کمیسیون تاخیر نمایند نسبت به هر یک ساعت تاخیر شدن مقرری آنها کسر خواهد شد اولاً در این متن مقرری آنها آقایان تصدیق میفرمایند که یک بهیامی دارند متن مقرری معلوم نیست یومیه است یا یکماه.

مخیر - ابهام ندارد در دوره قبل خودتان وضع کرده اید تقدین - معلوم نیست یکماه است یا یومیه اگر متن مقرری یومیه مقصود است باید کلمه یومیه اینجا باشد ولی باین ابهام ممکن است در یک تاریخی مانباشیم و بکلی هم نمایندگان عوض شده باشند و سابقه نداشت باشد در این ماده نظامنامه هم هست میگوید مقصود از متن مقرری

مخیر - ابهام ندارد در دوره قبل خودتان وضع کرده اید تقدین - معلوم نیست یکماه است یا یومیه اگر متن مقرری یومیه مقصود است باید کلمه یومیه اینجا باشد ولی باین ابهام ممکن است در یک تاریخی مانباشیم و بکلی هم نمایندگان عوض شده باشند و سابقه نداشت باشد در این ماده نظامنامه هم هست میگوید مقصود از متن مقرری

ماهیانه یا سالانه علاوه مقصود از این پیشنهاد چه بوده است اگر مقصود از این پیشنهاد این بوده است که یک مرتبه ای قرار داده شود برای اینکه آقایان سر وقت حاضر شوند تاخیر نکنند باین قسمت البته بنده هم موافقم ولی این یکساعت تاخیری که در اینجا نوشته شده است مقصود را تأمین نمیکند برای اینکه مدت انتقاد کمیسیون ها و شب ازاول تا آخر جقدر خواهد بود (یک نفر از نمایندگان سه ساعت تقدین - متأسفانه سه ساعت نخواهد بود و خیلی کمتر اتفاق می افتد تقریباً یکساعت ونیم میشود و تکیه باشد یکساعت اینجا قرار بدهند و برای کمتر از یکساعت جزئی قابل تشو بهمان طور که ممکن است نسبت به جلسات علنی بعضی آقایان یک گرفتاری هایی داشته باشند یا اینکه چندان علاقه نداشته باشند (در یک دوره هایی این دورها عرض نمیکنیم) به حضور در جلسه ممکن است همان موجبات در حضور در کمیسیون ها هم باشد و همین مسائل باعث تاخیر حضور در کمیسیون خواهد بود و ممکن است کمیسیونها تعطیل بشوند بنده بسیار کمیسیون های کار تمام بولی در یکی دو کمیسیون کینه خودم هستم بقدری مبتلا هستم حتی بگروز هم بمقام ریاست مطالب را عرض کردم و آن این است که کمیسیون بودجه ۱۸ حضور فراد روی متأسفانه چه کارش بکنیم خیلی کم اتفاق می افتد که ۱۴ یا ۱۵ نفر حاضر باشند و اغلب روزها برای یک نفر باید مدتی معطل بشویم که عذر بنده و یا یا زده تا این است وضیعت بنا بر این بنده یک ساعت را زیاد میدانم و منتقم که مثل همان مجالس شود و برای نیم ساعت تاخیر نیم مقرری یومیه کسر شود.

مخیر - ایرادات آقای تدین نسبت به صحبت اول را شاید خود بنده از نقطه نظر شخصی تصدیق کنم ولی مورد پیشنهاد آقایان و مورد نظر کمیسیون آن جمله اول نبود و سبب اینکه اینجا ذکر شده خواستم حضورشان عرض کنم در نظامنامه قدیم دو قسمت دوم می گوید (نمایندگان گانی که در سه جلسه متوالی یا شش مرتبه در ظرف سی روز در مطالبی که جزو دستور آن جلسات است بدون عذر موجه حاضر نباشند این یکساعت (و نیز آنهاست که در سه جلسه متوالی یا شش مرتبه در ظرف سی روز در کمیسیونها یا شعبات بدون عذر موجه حاضر نشوند) این قسمت دوم مورد بحث ما بود.

آقایان پیشنهاد کنندگان یک ماده الحاقیه پیشنهاد کردند آن ماده باین جمله اصطکاک کرد چنانکه در مقدمه هم نوشته شده بود. در این باب با حضرت آقای تدین

مخیر - ایرادات آقای تدین نسبت به صحبت اول را شاید خود بنده از نقطه نظر شخصی تصدیق کنم ولی مورد پیشنهاد آقایان و مورد نظر کمیسیون آن جمله اول نبود و سبب اینکه اینجا ذکر شده خواستم حضورشان عرض کنم در نظامنامه قدیم دو قسمت دوم می گوید (نمایندگان گانی که در سه جلسه متوالی یا شش مرتبه در ظرف سی روز در مطالبی که جزو دستور آن جلسات است بدون عذر موجه حاضر نباشند این یکساعت (و نیز آنهاست که در سه جلسه متوالی یا شش مرتبه در ظرف سی روز در کمیسیونها یا شعبات بدون عذر موجه حاضر نشوند) این قسمت دوم مورد بحث ما بود.

آقایان پیشنهاد کنندگان یک ماده الحاقیه پیشنهاد کردند آن ماده باین جمله اصطکاک کرد چنانکه در مقدمه هم نوشته شده بود. در این باب با حضرت آقای تدین

مخیر - ایرادات آقای تدین نسبت به صحبت اول را شاید خود بنده از نقطه نظر شخصی تصدیق کنم ولی مورد پیشنهاد آقایان و مورد نظر کمیسیون آن جمله اول نبود و سبب اینکه اینجا ذکر شده خواستم حضورشان عرض کنم در نظامنامه قدیم دو قسمت دوم می گوید (نمایندگان گانی که در سه جلسه متوالی یا شش مرتبه در ظرف سی روز در مطالبی که جزو دستور آن جلسات است بدون عذر موجه حاضر نباشند این یکساعت (و نیز آنهاست که در سه جلسه متوالی یا شش مرتبه در ظرف سی روز در کمیسیونها یا شعبات بدون عذر موجه حاضر نشوند) این قسمت دوم مورد بحث ما بود.

آقایان پیشنهاد کنندگان یک ماده الحاقیه پیشنهاد کردند آن ماده باین جمله اصطکاک کرد چنانکه در مقدمه هم نوشته شده بود. در این باب با حضرت آقای تدین

مذاکره کردم و عقیده ایشان این بود که طوری اصلاح کنیم که آن جمله بعد که ملاحظه میفرمائید بجای این جمله در آخر این ماده باشد یعنی آن جزائی که معین کرده اند برای مجلس جلو بینه ازیم و این جمله را پشت سرش.

بنابراین اگر در این قسمت اشکالی دارید ممکن است پیشنهاد کنید اصلاح شود بنده مخالف اصلاح این قسمت نیستم ولی مربوط بنظر کمیسیون میشود.

اما در قسمت یکساعت که فرمودند نیم ساعت مقرر شود این هلی نیست زیرا جزای غیبت مجلس و کمیسیون را یک اندازه نمیشود قرارداد چرا برای اینکه یک نفر نماینده ممکن است صبح در یک کمیسیون حاضر باشد عصر در یک شمه یا یک کمیسیون ولی در مجلس یکوقت و یک موقع باید حاضر باشد ما برای هر دوی اینها نیم مقرر فائل شویم آنوقت در سه مورد باید تقریباً نصف از حقوقش را بدهد و تصور میکنم غیر عملی باشد از حیث که دیگر چیزی نمی آورد بدهد آنچه که باو داده میشود ممکن است کسر بگذرانند ولی راجع بکلمه یومیه موافق ممکن است پیشنهاد بفرمائید اصلاح میشود.

رئیس - آقای رهنا مخالفند؟
رهنا - بلی
رئیس - بفرمائید

رهنا - در این قسمت یکساعت بنده هم مخالف و عقول مخالفم اینست که اساس کار مجلس کمیسیونها است اگر در کمیسیونها کار درست نشود مجلس کاری ندارد بکند باید کارها در کمیسیونها مرتب شود و راپورت آنها بجای بیاید تا مجلس کار بکند در اینجا بنده عقیده دارم که باید اعضاء کمیسیونها انتظام اخلاقیشان بیشتر باشد و باید بوقوع حاضر بشوند و کارها را انجام دهند ما اینجا یکساعت وقت معین کرده ایم همیشه آقایان میتوانند سه ربع دیر بیایند و همبصور سایر اعضاء کمیسیون معطل بمانند و تا یکساعت اعتبار داشته باشند.

پنا بر این بنده معتقدم اگر جرعی بنا مجازاتی معین بشود باید برای یک مدت کمتر از یکساعت معین بشود که در واقع یک مدتی وقت داشته باشند که بیایند کار بکنند و الا ممکن است بنده سه ربع همیشه دیر بیایم و باعث معطلی سایرین بشوم.

(جمعی اظهار کردند مذاکرات کافی است) رئیس - مذاکرات کافی است جمعی از نمایندگان - بلی کافی است.

رئیس - پیشنهاد میفرمائید که چه میشود پیشنهاد آقای قائم مقام (شرح ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم درصفا ۳ در ۵ مسطر از لفظ شعبه و کمیسیون جمله بدون عذر موجبه اضافه بشود درصفا (۳) مسطر (۸) پس از لفظ در یکماه جمله بدون عذر موجبه اضافه شود

رئیس - آقای قائم مقام (اجازه)

قائم مقام - توضیحی ندارد باید لفظ (بدون عذر موجبه) را نوشت که اگر کسی عذر موجبه داشت و نتوانست حاضر بشود معلوم شود.

مغیر - گرچه این تکرار است ولی برای تصریح قبول میکنم

رئیس - پیشنهاد آقای شیخ الرئیس قرائت می شود.

(شرح ذیل قرائت شد) بنده پیشنهاد میکنم در عرض یکساعت یکساعتونیم نوشته شود.

رئیس - آقای مجد هاشم میرزا (اجازه)

مجد هاشم میرزا شیخ الرئیس - اگر آقایان توجه بفرمائید ممکن است یک نفر آدم در دو کمیسیون یا سه کمیسیون عضویت داشته باشد و بتناسب مجلس هم که حساب کنیم باین ترتیب سه کمیسیون مساوی یا یک جلسه مجلس است و کمیسیونها هم معمولاً سه ساعت و چهار ساعت طول می کشد کمیسیونها یا یک ساعت و نیم باشد بنده عقیده ام بر عکس بعضی از آقایان که میفرمایند نیم ساعت باشد یکساعت و نیم بهتر است که اعضاء کمیسیونها بتوانند در هر چند کمیسیون عضویت دارند حاضر شوند.

شیروانی (مخبر) - حضرت والا اگر دقت بفرمائید ملاحظه خواهند فرمود که اینجا دو جریمه معین شده است یکی کسر حقوق و یکی هم مستغنی شدن از عضویت کمیسیون که اگر در دو جلسه متوالی یا چهار جلسه متوالی حاضر نشده اند از عضویت کمیسیون مستغنی خواهند بود بنده تصور میکنم همینطور که نوشته شده خوب است و دیگر نباید نه آنقدر اصرار و نه اینکه تقریباً قابل شد

رئیس - رأی میگیریم آقایانیکه این اصلاح را قابل توجه میدانند قیام نمایند (عده قلبی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد پیشنهاد آقای شیخ الرئیس (بضمون ذیل قرائت شد) بنده پیشنهاد میکنم در عرض یکماه نوشته شود (دو عرض ده جلسه)

رئیس - آقای شیخ الرئیس (اجازه) مجد هاشم میرزا شیخ الرئیس - آقایان باید در نظر داشته باشند که انعقاد جلسات کمیسیونها باهم خیلی فرق دارد مثلاً گاه

شده است که کمیسیون بودجه مجبور بوده است در ظرف هفت چهار جلسه داشته باشد ولی آن طرف کمیسیون خارج در ظرف ماه یک مرتبه هم تشکیل نشده است و حال آنکه ممکن است در کمیسیون خارج مطالب مهمی پیش بیاید که اهمیتش از سایر کمیسیونها بیشتر باشد و باین ترتیب کمیسیون بودجه در ماه شش برابر یا هشت برابر آن منعقد می شود و باین ترتیب که در این راپورت نوشته شده آن مقصودی که ما داریم تأمین نمی شود و عقیده من باین ترتیب است که بنده پیشنهاد کرده ام سهام السلطان - پیش نهاد مجدداً قرائت شود.

(شرح گذشته قرائت شد)

رئیس - رأی میگیریم بقبول توجه بودن این پیش نهاد آقایانی که قابل توجه میدانند قیام نمایند.

(جمعی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد پیشنهاد آقای عدل الملک

(بضمون ذیل قرائت شد)

بنده پیش نهاد میکنم برای هر نیم ساعت تأخیر یک دوازدهم حقوق یومیه متخلف کسر شود

رئیس - آقای عدل الملک (اجازه)

عدل الملک - اینجا یک اعتراضی از طرف آقایان تدین ورهنا شد که حد اکثر ساعات تشکیل کمیسیونها یکساعت و نیم یادو ساعت است و اغلب بواسطه دیر آمدن آقایان اعضاء کمیسیونها منعقد نمی شوند و آقای مخبر توضیح دادند و دفاع کردند که دفاع ایشان هم وارد بود فرمودند که مجلس را نمی شود با کمیسیون تشبیه کرد و اگر بنایا باشد جریمه غیبت کمیسیونها را هم باندازه جریمه غیبت از مجلس معین کنیم آنوقت علاوه بر دو سست تومان شهری آقایان نمایندگان باید از جیبشان هم یک چیزی علاوه بدهند و در حقیقت جریمه متخلف نباید بیشتر از وظیفه اش باشد این است که بنده برای نیم ساعت یک دوازدهم پیشنهاد کردم

رئیس - رأی میگیریم بقبول توجه بودن این پیش نهاد آقایانی که این پیشنهاد قابل توجه میدانند قیام نمایند (اکثر قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه شد پیشنهاد آقای تدین قرائت می شود.

(شرح ذیل قرائت شد) پیشنهاد می کنم که قسمت دوم راپورت کمیسیون بطریق ذیل اصلاح شود:

نسبت بهر نیم ساعت تأخیر نیم مقرر یومیه آنها کسر خواهد شد

رئیس آقای تدین (اجازه)

تدین - عرض می کنم یکدوازدهم کمتر از یک ششم است و قابل توجه شده است و بنده بنقطه نظر اینکه مساعدتی کرده باشم پیشنهاد خود را مسترد می دارم و موافقت می نمایم بانظر آقای عدل الملک.

رئیس - پیشنهاد آقای ضیاء الواعظین قرائت می شود.

(شرح ذیل قرائت شد) حقیر پیشنهاد میکنم که در آخر ماده جمله ذیل علاوه شود

واسامی آنها در جلسه علنی مجلس شورای ملی ذکر خواهد شد

مخبر - این مسئله در همان ماده نظامنامه قدیم هست

رئیس - آقای ضیاء الواعظین (اجازه)

ضیاء الواعظین - آقای مخبر می فرمایند کدر ماده نظامنامه قدیم است اگر چه آن نظامنامه معتبر باشد بنده پیشنهاد خود را مسترد میدارم

رئیس - مقصود کدام نظامنامه است

ضیاء الواعظین - آقای مخبر می فرمایند این مطلب در نظامنامه قدیم هست مخبر در نظامنامه هست یک نفر از نمایندگان نظامنامه قدیم شیروانی - مقصود همین نظامنامه است که قلم در دست است می نویسند اسامی آقایان بی عذر موجبه در روزنامه رسمی نمیخواهد شد علاوه اگر ما بخواهیم اسامی آقایان و دیگر آمدگان کمیسیونها را هم در صورت مجلس بنویسم که در صورت مجلس خوانده شود موجب اتلاف وقت مجلس خواهد بود

ضیاء الواعظین - مسترد میدانم

رئیس - مسترد می نمایند ضیاء الواعظین بلی

رئیس پیشنهاد آقای رئیس التجار و آقای روحی اینچامورد ندارد (شرح ذیل قرائت شد) پیشنهاد میکنم که تجره ذیل بر این مواد علاوه شود

مامور مراقبت حضور و عدم حضور و تأخیر آقایان اعضاء کمیسیونها در مباشرت مجلس خواهند بود

تأخیری افتد و موجب بطوکارها می شود پیشنهاد می کنم که بعد از مسطر چهارم صفحه سوم این عبارت الحاق شود هر گاه پس از زدن زنگ اطلاع حضور در جلسه علنی مجلس آقایان نمایندگان حاضر نشوند بعد از پنج دقیقه نسبت به هر دقیقه تأخیر نیم مقرر یومیه کسر خواهد شد.

رئیس آقای سلطان الملک (اجازه)

سلطان الملک - توضیحی ندارم توضیح همان است که آقای آقا سید یعقوب دارند.

رئیس آقای ضیاء الملک (اجازه)

ضیاء الملک بنده عقیده ام این است برای آقایانی که بعد از زنگ زدن شریف نمی آورند اگر یک جریمه معین شود خیلی بمورد است زیرا اغلب تماشاچها که اینجا می آیند منتظر میشوند

(همه نمایندگان)

و این خوب نیست بنابراین پیشنهاد کردیم که اگر برای آن مدت یک جریمه معین شود شاید آقایان بموقع حاضر شوند

آقا سید یعقوب - بنده هم حق توضیح دارم

رئیس - آقای عدل الملک (اجازه) عدل الملک - بنده میخواستم عرض کنم که نظامات مجلس مربوط با اداره اکثریت مجلس است شاگرد مکتبی نیستند که دقیقه و ثانیه را هم برای آنها معین کنند البته وقتی اکثریت مجلس بمجلس هم نیامد و جلسه هم تعطیل شد و وجود آنها مولد نظامات است بعلاوه اینجا یک مسائلی است که باید در جلسات خصوصی و بطور خصوصی مذاکره شود در جلسه علنی نباید در این قبیل مسائل مذاکره کرد

آقا سید یعقوب - آقایان برای حفظ انتظام حاضر نمیشوند لذا مسترد می دارم

رئیس - رأی می گیریم آقایانیکه این پیشنهاد را قابل توجه می دانند قیام نمایند (چند نفری قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد پیشنهاد آقای هرمزی قرائت می شود

(شرح ذیل قرائت شد) بنده پیشنهاد می نمایم قسمت دوم خبر کمیسیون باین ترتیب اصلاح شود

نمایندگان که در جلسات مقرره شعبه در کمیسیون تأخیر بینماید یکدوازدهم مقرر یومیه کسر خواهد شد

برای هر نیم ساعت که آقای عدل الملک پیش نهاد کردند یکدوازدهم مقرر یومیه کسر شود البته ساعات کمیسیونها دو ساعت سه ساعت است

مطابق پیشنهاد آقای عدل الملک برای هر نیم ساعت یک دوازدهم مقرر یومیه کسر میشود و اگر بنا باشد یک نفر در تمام مدت کمیسیون غیبت کند فرضاً سه ساعت مدت کمیسیون باشد مثل نیم ساعت باید جریمه بدهد در صورتیکه مقصود ما دیر نیامدن آقایان نمایندگان بود باین جهت بنده پیشنهاد کردم که در هر جلسه هر یک از اعضاء کمیسیونها نیامدن یکدوازدهم مقرر یومیه آنها کسر شود

مخبر - این اصلاحی که در نظامنامه میشود برای همین وضعیات است مکرری شود که سه چهار نفر اعضاء کمیسیون حاضر می شوند و از اول وقت تا آخر وقت هستند و بواسطه نیامدن سایر اعضاء همین طور معطل میمانند باین جهت این پیشنهاد شده است

بطوریکه آقای عدل الملک پیشنهاد کردند برای هر نیم ساعت تأخیر یک جریمه معین شود

آقا سید یعقوب - بنده هم حق توضیح دارم

رئیس - آقای عدل الملک (اجازه) عدل الملک - بنده میخواستم عرض کنم که نظامات مجلس مربوط با اداره اکثریت مجلس است شاگرد مکتبی نیستند که دقیقه و ثانیه را هم برای آنها معین کنند البته وقتی اکثریت مجلس بمجلس هم نیامد و جلسه هم تعطیل شد و وجود آنها مولد نظامات است بعلاوه اینجا یک مسائلی است که باید در جلسات خصوصی و بطور خصوصی مذاکره شود در جلسه علنی نباید در این قبیل مسائل مذاکره کرد

آقا سید یعقوب - آقایان برای حفظ انتظام حاضر نمیشوند لذا مسترد می دارم

رئیس - رأی می گیریم آقایانیکه این پیشنهاد را قابل توجه می دانند قیام نمایند (چند نفری قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد پیشنهاد آقای هرمزی قرائت می شود

(شرح ذیل قرائت شد) بنده پیشنهاد می نمایم قسمت دوم خبر کمیسیون باین ترتیب اصلاح شود

نمایندگان که در جلسات مقرره شعبه در کمیسیون تأخیر بینماید یکدوازدهم مقرر یومیه کسر خواهد شد

بلوچستان است و حال این انتخاب بلوچستان و جریان آن طور است که اغلب آقایان نمایندگان از وضعیت آن مطمئن ولی نظر به خواش جمعی از نمایندگان محترم خصوصاً نمایندگان محترم کردستان بنده از اظهار عقیده خود منصرف شده و قضاوت را بعهده مجلس و آراء نمایندگان محترم واگذار میکنم

رئیس - آقای یاسائی (اجازه)

یاسائی - بنده در این موضوع عرضی ندارم

رئیس - آقای حاج میرزا عبدالوهاب (اجازه)

حاج میرزا عبدالوهاب - در این موضوع عرضی ندارم

رئیس - رأی میگیریم چند فقره پیشنهاد رأی معنی شد

آقا سید مصطفی بهجهانی - قرائت بفرمائید

رئیس - رأی به قیام و نمود گرفته میشود

جمعی از نمایندگان - چرا؟ نظام التوله - جمعی تقاضا نمودیم که رأی معنی گرفته شود

رئیس - اسامی اشخاصیکه تقاضای رأی معنی کرده اند قرائت میشود بعد اشخاصیکه پس گرفته اند اسامی آنها هم قرائت میشود

(شرح ذیل قرائت شد) آقایان دکتر احتشام الحکامه احمد بهجهانی مدرس کازرونی عراقی صدر الملک مفتی علی اقبال الممالک قوام الدوله مصطفی بهجهانی آشتیانی حابری زاده علی رضا العسینی فرج الله یاسائی هادی شهاب ضیاء الواعظین میرزا آقاخان ناصر الاسلام بین الملک الوئی یعقوب الموسوی سلیمان محسن مصباح السلطنه حمید زاهدی عظیمی شریعت زاده سلیم ایزدی حسن ملک التجار نظام التوله

رئیس - اسامی اشخاصیکه پس گرفته اند قرائت میشود

آقایان دکتر احتشام الحکامه هاشم آشتیانی بهجهانی مدرس حائری زاده قوام الدوله کازرونی اشکر

رئیس - حالانکه بیخوامم اگر اعتراض دارید بده بفرمائید

الموتی - یعقوب الموسوی سلیمان محسن مصباح السلطنه مقوم الملک عظیمی شریعت زاده ایزدی ملک التجار نظام التوله

رئیس - حالا از این آقایان اشخاصی میخواهند استرداد نمایند بفرمائید

آقا مصطفی بهجهانی - بنده هم پس میگیرم

یک نفر از نمایندگان - اشخاصی را که غایب هستند مستثنی کنید

بعضی از نمایندگان - چرا رئیس - یک نفر هم اضافه شده است حال اینست که قرائت معنی اشخاص غایب را هم کسر کنیم باز بیست نفر باقی می ماند

بعضی از نمایندگان - بسیار خوب رأی معنی بگیری

رئیس - رأی میگیریم آقایانی که تصویب میکنند مهره سفید و الا مهره سیاه خواهند داد

(رئیس حاصل گردید) مهره سفید ۱۰۲ مهره سفید ۵۷ مهره سیاه ۴۲

رئیس - عده حضار صد و چهار باینجهاد و هشت رأی تصویب شد شاهزاده شیخ الرئیس

رئیس - برای اینکه پیش بینی شود از اینکه بعد از این اتفاق بنده اشتباه کرده بودم و درجائی که باید مهره سفید را بینه ازیم نینداخته بودم این را برای اینکه در آینه اشتباه نشود عرض کردم

رئیس - آقای تدین (اجازه)

تدین - عرضی ندارم

رئیس - راپورت کمیسیون تجدید نظر در نظامنامه داخلی مطرح است (جمعی از نمایندگان - ظهر است)

رئیس - بفرمائید جاسه را ختم میکنم

جمعی از نمایندگان - بلی

رئیس - جلسه آتیه روز یکشنبه دستور اولاً راپورت کمیسیون تجدید نظر در نام داخلی ثانیاً راپورت کمیسیون فواید عامه راجع به لایحه صنعتی ثالثاً راپورت کمیسیون قوانین مالی راجع بوساطه نقلیه

آقای حاج میرزا عبدالوهاب (اجازه)

حاج میرزا عبدالوهاب - بنده استدعا میکنم که مسئله طراز اگر ممکن است جزو دستور شود که تکلیف آن معین گردد

رئیس - آقای اعتبار الدوله (اجازه)

اعتبار الدوله - بنده مسترد میدانم

رئیس - مذاکرات کافی است جمعی از نمایندگان - بلی کافی است

رئیس - پیشنهاد میفرمائید که چه میشود پیشنهاد آقای قائم مقام (شرح ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم در عرض یکماه نوشته شود (دو عرض ده جلسه)

والا درشکه کورس سه قران بود دو قران کردید ولی چطور شده که این تخفیف در قیمت واگون منظور نشده که از سه شاهی بنیاد پنج شاهی شود و از پنج شاهی سیصد دینار آن وقت وزارت فوائد عامه هم هیچ حرفی ننیزند این هم در موضوع قیمت.

زعیم سیزده ساعت
دست غیب در این مدت سیزده ساعت بقول آقایان و بقول بنده سیزده ساعت بیشتر اجرتان چیست؟ از چهار قران و ده شاهی بالا و از چهار قران و پنج شاهی کم کمتر ندارند یک نفر میز چهار قران و ده شاهی در مقابل

سؤال دیگر بنده راجع به مسئله ترتیب سیر خط آهن است یک جاهائی را اسمش را گذارده اند توقف تراموای بیچاره آن کسیکه سوار واگون یا تراموای میشود اگر کاری دارد باید صرف نظر کند اگر کسی کاری داشته باشد که بخواهد زودتر بکارش برسد بفرماید واگون معطل میکند گشاید بیچاره موفق به انجام کارش نشود از طرف دیگر این دو خطی را که تأسیس کرده که اگر واگون دیگری برسد از مقابل آن عبور کند خیلی خوبست زیرا برای این ترتیب داده شده است که واگون معطل نشود آقایان هم سوار واگون شده اند البته تصدیق میفرمایند که واگونی که مسافر سوار میکند سر دو خط تقریباً نیم ساعت معطل میکند تا واگون ثانوی برسد. اگر این دو خط برای این است که سرعت سیر زیاد تر باشد که تیس ساعت معطل میکنند اگر یک نفر از پای ماشین بخواهد تا خیابان چراغ برق عقب طیب برود تا وقتی که خودش را برساند گمان میکنم اصل جنازه را هم دفن کرده اند زیرا پیاده راه رفتن که برایش مشکل است شاید در قران هم نداشته باشد که سوار درشکه بشود یا مسکن است درشکه هم نباشد و تا موقمی که آن شخص بخواهد برود سراغ طیب بیچاره مرض میبرد و هکذا از این قبیل مسائل (تدریجاً) یادداشت های متعددی از آقایان نمایندگان به آقای دست غیب میرسد

سؤال دیگر بنده راجع به مسئله ترتیب سیر خط آهن است یک جاهائی را اسمش را گذارده اند توقف تراموای بیچاره آن کسیکه سوار واگون یا تراموای میشود اگر کاری دارد باید صرف نظر کند اگر کسی کاری داشته باشد که بخواهد زودتر بکارش برسد بفرماید واگون معطل میکند گشاید بیچاره موفق به انجام کارش نشود از طرف دیگر این دو خطی را که تأسیس کرده که اگر واگون دیگری برسد از مقابل آن عبور کند خیلی خوبست زیرا برای این ترتیب داده شده است که واگون معطل نشود آقایان هم سوار واگون شده اند البته تصدیق میفرمایند که واگونی که مسافر سوار میکند سر دو خط تقریباً نیم ساعت معطل میکند تا واگون ثانوی برسد. اگر این دو خط برای این است که سرعت سیر زیاد تر باشد که تیس ساعت معطل میکنند اگر یک نفر از پای ماشین بخواهد تا خیابان چراغ برق عقب طیب برود تا وقتی که خودش را برساند گمان میکنم اصل جنازه را هم دفن کرده اند زیرا پیاده راه رفتن که برایش مشکل است شاید در قران هم نداشته باشد که سوار درشکه بشود یا مسکن است درشکه هم نباشد و تا موقمی که آن شخص بخواهد برود سراغ طیب بیچاره مرض میبرد و هکذا از این قبیل مسائل (تدریجاً) یادداشت های متعددی از آقایان نمایندگان به آقای دست غیب میرسد

سؤال دیگر بنده راجع به مسئله ترتیب سیر خط آهن است یک جاهائی را اسمش را گذارده اند توقف تراموای بیچاره آن کسیکه سوار واگون یا تراموای میشود اگر کاری دارد باید صرف نظر کند اگر کسی کاری داشته باشد که بخواهد زودتر بکارش برسد بفرماید واگون معطل میکند گشاید بیچاره موفق به انجام کارش نشود از طرف دیگر این دو خطی را که تأسیس کرده که اگر واگون دیگری برسد از مقابل آن عبور کند خیلی خوبست زیرا برای این ترتیب داده شده است که واگون معطل نشود آقایان هم سوار واگون شده اند البته تصدیق میفرمایند که واگونی که مسافر سوار میکند سر دو خط تقریباً نیم ساعت معطل میکند تا واگون ثانوی برسد. اگر این دو خط برای این است که سرعت سیر زیاد تر باشد که تیس ساعت معطل میکنند اگر یک نفر از پای ماشین بخواهد تا خیابان چراغ برق عقب طیب برود تا وقتی که خودش را برساند گمان میکنم اصل جنازه را هم دفن کرده اند زیرا پیاده راه رفتن که برایش مشکل است شاید در قران هم نداشته باشد که سوار درشکه بشود یا مسکن است درشکه هم نباشد و تا موقمی که آن شخص بخواهد برود سراغ طیب بیچاره مرض میبرد و هکذا از این قبیل مسائل (تدریجاً) یادداشت های متعددی از آقایان نمایندگان به آقای دست غیب میرسد

بنده عرض میکنم متأسفانه وزارت فوائد عامه این امتیاز را نداده است و یکی از تأسفهاست که باید اظهار شود این است که این امتیاز در موقمی داده شده است که بدبختانه تمام جهات کار منظور نشده است و آن پیش بینی هائی که باید بشود بعمل نیامده است.

بنده عرض میکنم متأسفانه وزارت فوائد عامه این امتیاز را نداده است و یکی از تأسفهاست که باید اظهار شود این است که این امتیاز در موقمی داده شده است که بدبختانه تمام جهات کار منظور نشده است و آن پیش بینی هائی که باید بشود بعمل نیامده است.

بنده عرض میکنم متأسفانه وزارت فوائد عامه این امتیاز را نداده است و یکی از تأسفهاست که باید اظهار شود این است که این امتیاز در موقمی داده شده است که بدبختانه تمام جهات کار منظور نشده است و آن پیش بینی هائی که باید بشود بعمل نیامده است.

بنده عرض میکنم متأسفانه وزارت فوائد عامه این امتیاز را نداده است و یکی از تأسفهاست که باید اظهار شود این است که این امتیاز در موقمی داده شده است که بدبختانه تمام جهات کار منظور نشده است و آن پیش بینی هائی که باید بشود بعمل نیامده است.

بنده عرض میکنم متأسفانه وزارت فوائد عامه این امتیاز را نداده است و یکی از تأسفهاست که باید اظهار شود این است که این امتیاز در موقمی داده شده است که بدبختانه تمام جهات کار منظور نشده است و آن پیش بینی هائی که باید بشود بعمل نیامده است.

بنده عرض میکنم متأسفانه وزارت فوائد عامه این امتیاز را نداده است و یکی از تأسفهاست که باید اظهار شود این است که این امتیاز در موقمی داده شده است که بدبختانه تمام جهات کار منظور نشده است و آن پیش بینی هائی که باید بشود بعمل نیامده است.

سؤال دیگر ایشان این بود که این امتیاز آیا راجع به تمام ایران است یا منحصراً به شهر طهران است؟
خیر این امتیازی که در تاریخ یازدهم و هفدهم ۱۳۰۰ داده شده است مربوط به شهر طهران است.

در خود امتیاز خطوطی که باید راه آهن کشیده شود همین است علاوه در یکی از مواد هم ذکر شده که ممکن است کمیانی راه اضافه هم بگردد ولی قبلاً باید تقاضای را بدلت یا بوزارت خانه مربوطه بدهد و البته این نکته را هم باید اظهار کرد که جنک بین المللی و مسدود شدن راهها یک قدری مانع بود از ورود خط آهن چنانچه مدبر خط آهن مسوول گیر خودش برای تهیه لوازم کار بفرنگ رفته است و شاید با خودش هم یک مقدار اسباب برای اصلاح بیاورد ولی هنوز وارد نشده است.

یس میتوان گفت که هم وزراء فوائد عامه اسلاف بنده هم خود کمیانی همیشه در نظر داشته اند که یک اصلاحاتی را در حدود امکان قائل شوند و باید امیدوار بود که پس از مراجعت مسوول گیر که رئیس اداره است و هنرفرب شاید برگردد دولت موفق شود در نتیجه مذاکرات خودش با کمیانی اصلاحاتی بعمل آورد.

سؤال دیگر ایشان راجع به قیمت واگون بود.
در سنه ۱۲۹۷ کمیانی قیمت واگونها را از پنج شاهی به سیصد دینار تغییر داده است.

در این باب از همان تاریخ وزارت فوائد عامه یادداشتها شدیدی داده است و جوابهائی هم از طرف کمیانی داده شده است و متأسفانه نه وزارت فوائد عامه قانع شده است و نه کمیانی قیمت بلیط را تنزل داده است.

یس وزارت فوائد عامه وظیفه خودش را انجام داده است ولی چون هر کسی در دنیا اسیر گذشته خودش است وزارت فوائد عامه هم اسیر گذشته خودش است زیرا آزاد نبوده است در تصمیمات خودش که بتواند کار کند و مقید بقیودی بوده است که با وجود آن قیود باز اقداماتی کرده است ولی هنوز نتیجه حاصل نشده است.

قسمت اخیر سؤال ایشان راجع به ترتیب سیر واگون است که اگر اسرار دارند جواب عرض کنم.

اجازه میخواهم عرض کنم که فعلاً اطلاعی ندارم و پس از تحقیق جواب عرض میکنم زیرا تصور نمیکنم در این قسمت هم سؤال بشود و همچنین راجع به حالت کارگران و مستخدمین آن اداره.

بنده عرض میکنم متأسفانه وزارت فوائد عامه این امتیاز را نداده است و یکی از تأسفهاست که باید اظهار شود این است که این امتیاز در موقمی داده شده است که بدبختانه تمام جهات کار منظور نشده است و آن پیش بینی هائی که باید بشود بعمل نیامده است.

رئیس - سؤال آقای ضیاء الواعظین هم راجع به همین موضوع است؟
ضیاء الواعظین - بلی در این موضوع لازم نیست بنده خاطر آقایان محترم را زیاد مضطرب بشوم مذاکراتی شد و آقای وزیر فوائد عامه هم جوابهائی دادند ولی بنده خاطر ایشان را تند گرمیدم که برای این امتیاز یک مورد نقض پیدا شده.

همانطور که فرمودند این امتیاز در یازدهم رمضان سنه ۱۳۰۰ بدلت نود و هفت یا نود و نه سال (که درست نمیدانم) داده شده است.

وزیر فوائد عامه - نود و نه سال ضیاء الواعظین - ولی مورد نقض این امتیاز ماده اول آنست که تا بحال وزارت فوائد عامه متوجه نشده و مسامحه کرده است.

ماده اول این است :
صاحب امتیاز بخارج خود خطوط ذیل را احداث و دائر خواهد داشت
اولاً خطی از ابتدای خیابان لاله زار در خیابان ناصریه امتداد یابد الی سبزه میدان.

خط دیگر از میدان تویخانه مبارکه شروع میشود و از خیابان چراغ گاز و از خیابان دروازه حضرت عبدالعظیم علیه التکریم و از خیابان قبرستان الی خیابان دروازه قزوین کشیده شده و از آنجا نیز تا خیابان مریشخانه الی میدان تویخانه مبارکه که محل راه آهن آسی است امتداد خواهد یافت.

همین جا مورد نقض است که وزارت فوائد عامه بایستی با کمیانی در این خصوص داخل مذاکره شود ماده اول میگوید این خطوط را کمیانی ملزم است امتداد دهد. از خیابان اسمعیل بزاز و سقر آقا و دروازه گمرک و از آنجا متصل بشود به دروازه قزوین و میآید تویخانه و تا بحال کمیانی این خطوط را کشیده است گویا بلیطی خواسته است شروع کند بعد دیده صرفه ندارد و جمع کرده و وزارت فوائد عامه از موقع استفاده نکرده است خلاصه عرضم راجع به همین قسمت است. یادداشت های دیگری هست که تقدیم خودشان میکنم تا کاملاراجه بفرمایند چون مقصود بنده فشار نیست و اصلاح امر است.

وزیر فوائد عامه - بسیار خوب. بنده هم منتظر یادداشت های آقایانم بودم. البته تصدیق ایشان هم قصد بنده اصلاح کار است و امیدوارم با توافق نظر خودشان اصلاحاتی بشود.

رئیس - آقای سر کشیک زاده سر کشیک زاده قبل از ورود در موضوع سؤال بپسوا لازم است از آقای وزیر فوائد عامه تشکر کنم که برای دادن جواب حاضر شده اند زیرا سؤالات بسیاری از سایر

آقایان شده که شاید تاریخ آنها چهار ماه است ولی هنوز برای جواب دادن حاضر نشده اند البته از مثل آقای سردار معظم که یک نفر وزیر تحصیل کرده ولایتی هستند و بیشتر عمر خودشان را در بارلمان گذرانده اند باید همین انتظار را هم داشت.

اما موضوع سؤال بنده راجع است بامتیاز نفت گیلان. البته آقایان مخصوصاً آقایانی که در دور چهارم عضویت داشته اند به خوبی سبقوند که علت تجزیه یک ایالت برای منفعت تمام ایرانی ها بوده نه برای شخص واحد. و همین جهت بود که مجلس چهارم یک ایالت را اختصاص داد به چهار ایرانی ولی در اواخر دوره چهارم امتیاز این یک ایالت برخلاف قانون مصوبات عمومی صورتیکه دولت بموجب قانون محاسبات عمومی باید اعلان کند چنانچه برای یک مدین نمک دو قاز می صندا اعلان میکند آن وقت امتیاز نفت که خیلی مهم است برخلاف قانون بیک نفر معین و اکتفا میشود. در اطراف این موضوع اندک امر عمومی به بیجان آمد و تمام جراند بدون استثناء بر علیه این عمل پروتست کردند و در نتیجه حضرت آقای مشیرالدوله آن قانون را از مجلس استرداد کردند در این ایام که یک قانونی از طرف دولت پیش نهاد شد و خیر به گیلان رسید از تمام نقاط گیلان مکاتب متعدد بو کلای گیلان بحضرت آقای سهدار و آقای سردار متمدن و آقای قائم مقام الملک و کی استخوان رسیده ببندهم از حوزه انتخابیه خود مکاتبی رسیده که چرا باید این امتیاز را بیک شخص اختصاص بدهند به علاوه تجار آذربایجان هم تلگرافی کرده اند که در روزنامه ایران درج است و بنده میخوانم توسط حضرت اشرف آقای مؤمن الملک

ساحت مقدس مجلس شورای ملی شید الله از گناه کیی وزارت جلیله نخواستند و فلاح و تجارت کعبه جرائد ایران کیی شفق سرخ در موضوع نفت شمال دولت علیه ایالت گیلان را تخصیص به اتباع خود فرمود متأسفانه اطلاع حاصل شده بود که امتیاز آن را هم میبوهاند فقط بیک نفر و اکتفا نماید ولی اخیراً معلوم گردید که اختصاص آنرا دولت بیک نفر قبول فرموده و میخواهند عموم اتباع خود از آن استفاده نمایند از آنجائی که دولت اهمیت آذربایجان و تجار آنرا همیشه منظور فرموده این است به مقام جسارت جسارت بر میآیم که در این موضوع نیز تجار را از این استفاده محروم نفرمائید. یک شرحی هم از تجار آنرا در پیده قرائت میشود.

رئیس - آقای سر کشیک زاده سر کشیک زاده قبل از ورود در موضوع سؤال بپسوا لازم است از آقای وزیر فوائد عامه تشکر کنم که برای دادن جواب حاضر شده اند زیرا سؤالات بسیاری از سایر

آقایان شده که شاید تاریخ آنها چهار ماه است ولی هنوز برای جواب دادن حاضر نشده اند البته از مثل آقای سردار معظم که یک نفر وزیر تحصیل کرده ولایتی هستند و بیشتر عمر خودشان را در بارلمان گذرانده اند باید همین انتظار را هم داشت.

اما موضوع سؤال بنده راجع است بامتیاز نفت گیلان. البته آقایان مخصوصاً آقایانی که در دور چهارم عضویت داشته اند به خوبی سبقوند که علت تجزیه یک ایالت برای منفعت تمام ایرانی ها بوده نه برای شخص واحد. و همین جهت بود که مجلس چهارم یک ایالت را اختصاص داد به چهار ایرانی ولی در اواخر دوره چهارم امتیاز این یک ایالت برخلاف قانون مصوبات عمومی صورتیکه دولت بموجب قانون محاسبات عمومی باید اعلان کند چنانچه برای یک مدین نمک دو قاز می صندا اعلان میکند آن وقت امتیاز نفت که خیلی مهم است برخلاف قانون بیک نفر معین و اکتفا میشود. در اطراف این موضوع اندک امر عمومی به بیجان آمد و تمام جراند بدون استثناء بر علیه این عمل پروتست کردند و در نتیجه حضرت آقای مشیرالدوله آن قانون را از مجلس استرداد کردند در این ایام که یک قانونی از طرف دولت پیش نهاد شد و خیر به گیلان رسید از تمام نقاط گیلان مکاتب متعدد بو کلای گیلان بحضرت آقای سهدار و آقای سردار متمدن و آقای قائم مقام الملک و کی استخوان رسیده ببندهم از حوزه انتخابیه خود مکاتبی رسیده که چرا باید این امتیاز را بیک شخص اختصاص بدهند به علاوه تجار آذربایجان هم تلگرافی کرده اند که در روزنامه ایران درج است و بنده میخوانم توسط حضرت اشرف آقای مؤمن الملک

ساحت مقدس مجلس شورای ملی شید الله از گناه کیی وزارت جلیله نخواستند و فلاح و تجارت کعبه جرائد ایران کیی شفق سرخ در موضوع نفت شمال دولت علیه ایالت گیلان را تخصیص به اتباع خود فرمود متأسفانه اطلاع حاصل شده بود که امتیاز آن را هم میبوهاند فقط بیک نفر و اکتفا نماید ولی اخیراً معلوم گردید که اختصاص آنرا دولت بیک نفر قبول فرموده و میخواهند عموم اتباع خود از آن استفاده نمایند از آنجائی که دولت اهمیت آذربایجان و تجار آنرا همیشه منظور فرموده این است به مقام جسارت جسارت بر میآیم که در این موضوع نیز تجار را از این استفاده محروم نفرمائید. یک شرحی هم از تجار آنرا در پیده قرائت میشود.

رئیس - آقای سر کشیک زاده سر کشیک زاده قبل از ورود در موضوع سؤال بپسوا لازم است از آقای وزیر فوائد عامه تشکر کنم که برای دادن جواب حاضر شده اند زیرا سؤالات بسیاری از سایر

آقایان شده که شاید تاریخ آنها چهار ماه است ولی هنوز برای جواب دادن حاضر نشده اند البته از مثل آقای سردار معظم که یک نفر وزیر تحصیل کرده ولایتی هستند و بیشتر عمر خودشان را در بارلمان گذرانده اند باید همین انتظار را هم داشت.

اساس حیات ملی است و ایرانیان به وسیله آن ممکن است بمساج عالی برسند استخراج معدن نفت یک ثروت تحت الارضی است از طرف نمایندگان محترم ملت امتیاز نفت شمال بیک کمیانی امریکائی داده شده تجزیه یک ایالت از قانون نفت در مجلس چهارم بسیار بیجا و زمینه امتحان ایرانیان را تهیه میکند اما قسمت استخراج نفت گیلان بر گذار نمودن امتیاز آن به حاج معین التجار پوشهری سبب پایمالی حقوق ایرانیان مخصوصاً گیلانیان میدانیم ما امضاء کنندگان جداً از مقام نمایندگان و وکلای محترم مجلس تقاضا مینمائیم استخراج معدن نفت گیلان را به عوم ایرانیان در تحت شرایطی بر گذار تا عموم (مثل باد کوبه و قفقاز) در حفر چاه نفت سهم و شریک شده از قرق و فاقه خلاصی باشند در یکی از مطبوعات گیلان یک شرحی راجع بانشارات خود از وکلای گیلان نوشته و در آنجا مینویسد :

ممنتظریم ببینیم وکلای ما در مجلس شورای ملی چگونه از حقوق مادافع میکنند و نظریه در تمام ایران راجع بان موضوع پیدا شده یکی اینکه دولت تمام پیشنهادهای که بوزارت فوائد عامه رسیده باید بمجلس تقدیم کند و مجلس هر کدام را که تصویب می کند دولت اجرا کند. یکی دیگر که بنظر بندهم بهترین شوق است این است که یک قانونی از طرف مجلس وضع شود و در آن هر کس حق داشته باشد شریکتی تأسیس نموده و مثل باطوم باد کوبه چاه حفر کند و نفت استخراج نمایند بالاخره بجای اینکه تمام استفاده ها را بیک نفر بکنند بهتر این است که سبب عائله سعادت مند شوند بنابر این موضوع سؤال بنده اینست که اولاً یک چنین پیشنهاداتی بوزارت فوائد عامه رسیده یا خیر در صورتی که رسیده آیا وزیر فوائد عامه در نظر دارند که بمجلس تقدیم کند یا نه

وزیر فوائد عامه - اگر از مقدمه سؤال آقایان صرف نظر شود خلاصه سؤالی که از بنده فرمودند این بود که آیا پیشنهاداتی که در زمینه نفت رسیده در نظر دارم بمجلس و کمیسیون بفرستم یا خیر البته جواب بنده مثبت است و بنده هیچ مانعی نمی بینم که تمام پیشنهادات حتی آنهاست هم که بعد میرسد بمجلس شورای ملی احاله بدهم که در موقم رسیدگی در کمیسیون دقت و مطالعه بیشتری در آن بشود پس جویب این سؤال خیلی مختصر است بله بنده حاضریم که سایر پیشنهاداتی هم که بعد بوزارت فوائد عامه میرسد به کمیسیون بفرستم

رئیس - رابرت کمیسیون تجدید نظر در نظامنامه داخلی مطرح است

رئیس - تصویب شد. لایحه علامات صنعتی مطرح است. شور دوم شروع می شود چون آقای رهنا غائبند کمیسیون آقای حاج عز المالک را بست مضرب موقتی معرفی میکنند. ماده اول قرائت می شود.

رئیس - تصویب شد. لایحه علامات صنعتی مطرح است. شور دوم شروع می شود چون آقای رهنا غائبند کمیسیون آقای حاج عز المالک را بست مضرب موقتی معرفی میکنند. ماده اول قرائت می شود.

رئیس - تصویب شد. لایحه علامات صنعتی مطرح است. شور دوم شروع می شود چون آقای رهنا غائبند کمیسیون آقای حاج عز المالک را بست مضرب موقتی معرفی میکنند. ماده اول قرائت می شود.

رئیس - تصویب شد. لایحه علامات صنعتی مطرح است. شور دوم شروع می شود چون آقای رهنا غائبند کمیسیون آقای حاج عز المالک را بست مضرب موقتی معرفی میکنند. ماده اول قرائت می شود.

رئیس - تصویب شد. لایحه علامات صنعتی مطرح است. شور دوم شروع می شود چون آقای رهنا غائبند کمیسیون آقای حاج عز المالک را بست مضرب موقتی معرفی میکنند. ماده اول قرائت می شود.